

نتریه فتنا

شماره سوم-تابستان ۹۹



حاکمیت
شرکتی

شناسنامه

صاحب امتیاز: انجمن علمی حسابداری

مدیرمسئول: حسام لطفی

سردبیر: یگانه همراهی

ویراستار: یگانه همراهی

طراح و صفحه آرا: محمد ابراهیمی

اعضای هیئت تحریریه:

محدثه اصغری، نگار اوان پور، مهسا شادکام،

نجمه سادات حائری عراقی، مائده شیدایی،

سیدعلی حجتیان، مهدی حسینی آراسته،

علی خورشیدزاده، مهدی رستگار مقدم،

سمانه صبوری مطلق، حسام لطفی، امیر مرادی،

فاطمه ولی زاده، سجاد هاشمی، یگانه همراهی

استاد مشاور نشریه: دکتر رضا حصارزاده

شماره مجوز نشریه: ۹۸۲۰۹۰



فهرست

سخن
سردبیر

آشنایی با
یک دگردیسی
دیجیتالی
ارز دیجیتال

۳

۴

۵

حاکمیت
شرکتی و
تاثیرات آن

۷

۸

۹

۱۰

نقش
حسابداری در
کاهش فقر

۱۲

گفت و گو
با جناب
مسعود
شریعتی

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

وقتی
بورس تهران
روی بورس
می‌آید

۲۰

۲۱

انقلاب
نوین

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

بایگانی مجازی
و حسابرسی

۲۸

حل مسئله
فساد در دست
حسابرسان و
حسابداران

۳۰

۳۱

آینده
حسابرسی

۳۳

۳۴

تریدرگرام

۳۶

۳۷

۳۸

گفت و گو
با سرکار خانم
مهناز مصدق

۴۰

۴۱

۴۲



حسابداری نیز، مانند بسیاری از صنایع، در حال تغییر و گسترش است و اگر شما به عنوان یک حسابدار، در یک شرکت مشغول به کار باشید، شاهد حضور پررنگ تکنولوژی در حرفه‌تان هستید. صنعت حسابداری، جزو اولین صنایعی است که تحت تأثیر رشد تکنولوژی پیشرفته، قرار گرفته است. با حضور ابزارهای تکنولوژی، مانند نرم‌افزار حسابداری و مالی می‌توان به وضوح مشاهده کرد که چگونه فرآیندهای سخت و پیچیده حسابداری، سهل‌تر از گذشته انجام می‌شود و از میزان خطاهای انسانی کاسته شده است. اما آیا با وجود پیشرفت تکنولوژی، زمینه‌های شغلی برای حسابداران، کاسته خواهد شد؟

در پاسخ به این سوال باید گفت: **تکنولوژی کار را از شما نمی‌گیرد، اما نیاز است که هرچه سریع‌تر تغییر کنید.** هرچه ماشین‌های یادگیری و هوش مصنوعی با سرعت بیشتری پیشرفت می‌کنند، شغل‌های حسابداری اداری به پایان عمرشان نزدیک می‌شوند. اما حسابداران با کسب مهارت‌های خاص، به هیچ عنوان جای خود را به کامپیوترها نخواهند داد، شغل‌هایی مانند مشاوران مالی و حسابداری، مدیران مالی، سرپرستان حسابداری و کارشناسان مالی، اگر با آخرین تغییرات علمی و تکنولوژی همراه باشند، تا ابد پایدار خواهند بود.

امروزه شرکت‌های حسابداری در حال گسترش هستند و واحدهای حسابداری بسیاری در حال شکل‌گیری است. براساس انتشار آماری در سال ۲۰۱۶، نرخ بیکاری حسابداران در جهان به ۲/۲ درصد کاهش یافته است. در ایران نیز با اینکه اطلاعات دقیقی از میزان نرخ رشد و میزان اشتغال در هر رشته وجود ندارد، ولی نیاز شرکت‌ها به داشتن گزارشات مالی موثق و نظارت نیروهای متخصص حسابداری، موجب شده است که بنابر نظر متخصصان، فارغ التحصیلان رشته حسابداری، وضعیت مناسب تری را نسبت به سایر فارغ التحصیلان، در بازار کار سپری کنند. نگرانی عمده صنایع در ۱۰ سال اخیر، کمبود حسابداران با کیفیت بوده است. هرکسب و کاری در وهله‌ی اول، نیاز به استخدام حسابدار برای نظارت بر عملیات حسابداری خود دارد و از آن جایی که محاسبه و تعیین سود به کمک حسابدار انجام می‌شود و مبنای محاسبات مالیات شرکت‌ها است، مراکز مختلف، به شخص آشنا و متخصص در زمینه حسابداری نیاز دارند. بنابراین بازار کار رشته حسابداری، تشنه‌تر از دیروز، نیاز به حضور **حسابداران با کیفیت** در عرصه کار دارد.

اگر به دنبال آن هستید تا در آینده حسابداری، جایی برای خود داشته باشید، باید بدانید افرادی در حرفه حسابداری موفق‌تر خواهند بود که زمان خود را در راستای بهبود علم خود و آشنایی با نرم‌افزارهای جدید، سرمایه‌گذاری کرده باشند. علم حسابداری همواره در حال تغییر و گسترش است و شاید بهترین راه برای هم‌تراز شدن با این سطح از پیشرفت، وقف زمان‌های خالی برای تحصیل عالی باشد. همچنین تخصص یافتن در یکی از زیرمجموعه‌های این علم، موجب می‌شود فرصت‌های شغلی خوبی در این زمینه پیدا کنید. به عنوان مثال یکی از زیرمجموعه‌های این حوزه، حسابداری کشاورزی است. این یکی از صنایعی است که در کشورمان دارای پویاترین محیط‌های کسب و کاری می‌باشد و به همین دلیل داشتن دانش لازم مرتبط با علوم مالی، می‌تواند تضمین‌کننده‌ی موقعیت‌های شغلی خوبی باشد. همچنین لازم به ذکر است؛ با پیشرفت تکنولوژی شاید این خود شما باشید که با همکاری با شرکت‌های نرم‌افزاری به تولید نرم‌افزار مالی مرتبط با حوزه تخصص خود اقدام کنید و سود سرشاری بدست آورید.

در نهایت باید گفت؛ آینده حسابداری، نه تنها به لحاظ شغلی آینده‌ای تاریک را برای افراد مشغول به کار در این حرفه رقم نخواهد زد، بلکه بالعکس دیگر حرفه‌ها، که با پیشرفت تکنولوژی، از میزان کارمندان مشغول به کار آن‌ها کاسته می‌شود، **حوزه حسابداری، تنها با تغییر ماهیت کاری روبه‌رو خواهد بود.** از این رو، مواردی ذکر شد که بنظر می‌رسد برای هم‌گام شدن با پیشرفت این علم، الزامی باشد.



آشنایی با یک دگردیسی دیجیتالی

ارز دیجیتال



نویسنده: مهدی حسینی آراسته

دانشجوی کارشناسی حسابداری ۹۸

برای پشتیبانی از پروژه‌های بلاک چین شکل گرفته‌اند نیز باشند. حقوق سالانه متوسط یک توسعه‌دهنده بلاک چین در حدود ۵۰,۰۰۰ دلار است.

• شرکت‌های پایه

شرکت‌های بزرگ همچون بانک‌ها، شرکت‌های حسابداری و دفاتر حقوقی شامل این شرکت‌ها می‌شوند. با پیشرفت روزافزون ارزهای دیجیتالی، ترس از عقب ماندن این شرکت‌ها از بازار رقابت، آن‌ها را برآن داشت تا با استخدام متخصصان در این زمینه از گردونه رقابت حذف نشوند. حقوق ورودی این شرکت‌ها می‌تواند چیزی در حدود ۷۰,۰۰۰ الی ۸۰,۰۰۰ دلار باشد.

• شرکت‌های فناوری

شرکت‌هایی با قدرت عظیم در زمینه خدمات متمرکز همچون اپل، ماکروسافت، فیسبوک با پیشرفت ارزهای دیجیتال و بلاک چین و به دنبال آن افزایش محبوبیت پلتفرم‌های غیرمتمرکز، متضررهای بزرگ آینده خواهند بود. این شرکت‌ها در حال سرمایه‌گذاری روی پروژه‌هایی هستند که از فناوری بلاک‌چین در کسب و کارشان استفاده می‌کنند. یکی از این پروژه‌ها هایپرلجر (Hyper ledger) است. هایپرلجر با هدف ارائه ابزارها و

اشتغال در ارز دیجیتال

وقتی در مورد مشاغل مرتبط با ارز دیجیتال صحبت می‌کنیم، باید دید که فرصت‌های شغلی در آن کدام‌اند و کارگزاران و کارفرمایان آن را مورد بحث قرار دهیم.

فرصت‌های شغلی ایجاد شده به اختصار شامل موارد زیر می‌باشد: توسعه دهندگان همچون برنامه نویسان، تحلیلگران بازار، مشاور فنی و حقوقی، کارشناس تولید محتوا و شبکه‌های اجتماعی، تکنسین فنی، حسابداری، کارشناس بازاریابی، مدیر داخلی و ...

• کارگزاران

شامل استارت‌آپ‌ها، شرکت‌های پایه، شرکت‌های فناوری و دولت‌ها

• استارت‌آپ

استارت‌آپ در لغت به معنای کسب و کار نوپا است و فضای ارزهای دیجیتال و بلاک چین هم دارایی ایده‌های خوبی برای ورود استارت‌آپ‌ها هستند. آن‌ها در حال ایجاد پلتفرم‌هایی مانند ایاس، ترون و ... و همچنین صرافی‌هایی مثل بیت‌کس، کراکن، بایننس و... هستند. استارت‌آپ‌ها می‌توانند شامل ارائه‌دهندگان خدمات کیف پول، وبسایت‌های خبری، وبلاگ‌ها و ابزارهای آموزشی‌ای که

ارز دیجیتال (Digital Currency)، ارزهایی هستند که به صورت الکترونیکی ذخیره و منتقل می‌شوند و مبنای آن‌ها صفر و یک است. سنگ بنای ارز دیجیتال به تأسیس شرکت دیجی‌کش توسط دیوید چاوم در اواخر دهه ۹۰ میلادی برمی‌گردد. ارز دیجیتال ویژگی‌های مشابه با پول فیزیکی را دارا است، اما تراکنش‌های انتقال سرمایه را بصورتی آبی و بدون مرز انجام می‌دهد. ارزهای مجازی و رمزارزها هر دو از جمله نمونه‌های ارز دیجیتال می‌باشند. ارز مجازی (Virtual Currency) مانند ارز بوده که توسط برنامه‌های رایانه‌ای خلق و کنترل می‌شوند که برخی قابل تبدیل به پول‌های دستوری بوده و برخی تنها در یک جامعه مجازی جریان دارند. رمز ارز (Crypto Currency) از انواع ارز مجازی بوده که فناوری رمزنگاری در طراحی آن استفاده می‌شود که معمولاً به صورت غیرمتمرکز اداره می‌شود. غیرمتمرکزسازی در رمزارزها، از طریق فناوری زنجیر بلوکی (Block chain) امکان‌پذیر شده است که خود نوعی دفتر کل توزیع شده است.

زیرساخت‌های لازم به کسب و کارهایی که به دنبال پیاده‌سازی بلاک‌چین هستند، ایجاد شده است. میزان حقوق این شرکت‌ها همچون شرکت‌های پایه می‌باشد. شرکت‌های فناوری بزرگ بیشترین پرداختی را دارند، اما استارت‌آپ‌ها معمولاً محبوب‌تر هستند.

• دولت‌ها

بسیاری از کشورها، در زمینه بلاک‌چین پیشرفت‌هایی داشته‌اند و با توجه به کاهش شدید هزینه‌ها در صورت استفاده از بلاک‌چین، زمینه حضور متخصصان این عرصه، در دولت‌ها فراهم شده است. حقوق‌های دولتی معمولاً در کشورهای مختلف متفاوت است و در حالت کلی، مقدار آن کمتر از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های ثبت‌شده است. اما باید در نظر داشت که کار کردن برای دولت مزایای خاص خودش را دارد.

• کارفرمایان

متخصصان تکنولوژی و افراد غیرمتخصص

• متخصصان

متخصصان فناوری، همچون مهندسان و توسعه‌دهندگان نرم‌افزارها، که در زمینه برنامه‌نویسی فعالیت می‌کنند و برخی فناوری رمزنگاری را تجربه خواهند کرد. این متخصصان برای دستیابی به فرصت‌های شغلی نیاز به آشنایی با زبان‌های برنامه‌نویسی جدید همچون سالیدیتی در اتریوم دارند و نیاز دارند از عهده انجام کارهای زیادی برآیند.

• افراد غیرمتخصص

بلاک‌چین تنها به نیروهای متخصص برای پشتیبانی فنی نیاز ندارد. پروژه‌های بلاک‌چین مثل هر کسب و کار دیگری به حسابدار، وکیل، روابط عمومی، بازاریاب و مشاغلی از این دست نیز نیاز دارند.

شناخت فناوری نوین؛ بلاک

چین

در تعریف فنی، بلاک‌چین یک «ماشین یکتای تبدلی ایمن شده با فنون رمزنگاری و دارای حالت اشتراکی» است.

ماشین یکتای تبدلی:

نوعی ماشین استاندارد منحصربه‌فرد که مسئولیت همه تراکنش‌ها را در سیستم بر عهده دارد.

ایمن شده با فنون رمزنگاری:

ایجاد یک ارز دیجیتال که با الگوریتم‌های پیچیده ریاضی ایمن شده است و تا حد زیادی ایجاد تراکنش‌های جعلی، پاک کردن تراکنش‌ها و مانند آن را غیر ممکن می‌کند.

دارای حالت اشتراکی:

هر حالتی که در این ماشین ذخیره می‌شود برای همه افراد باز بوده و میان آن‌ها به اشتراک گذاشته می‌شود.

در یک مثال ساده: با فرض اشتراک هزار نسخه کپی از یک داده، تغییر یا سوزاندن نسخه اصلی برای دارندگان نسخه کپی قابل پذیرش نیست مگر اینکه نسخه‌های کپی را از بین ببریم. در دنیای واقعی این نسخه‌های کپی می‌تواند به چند میلیون برسند.

ساختار بلاک چین

واژه بلاک چین (Block chain) ترکیبی از دو کلمه Block (بلوک (مکعب مربع)) و Chain (زنجیره) است که این فناوری در حقیقت زنجیره‌ای از بلوک است. در هر یک از این بلاک‌ها هر اطلاعاتی ثبت می‌شود و برای جلوگیری از تقلب و تغییر اطلاعات ثبت شده، یک رشته متنی تولید شده از یک تابع ریاضی خاص به نام هش (Hash) استفاده می‌شود. در ادامه بلاک‌ها به صورت زنجیره‌ای مرتبط، متصل می‌شوند و بلاک‌چین را تشکیل می‌دهند. در بلاک‌چین، بلاک‌ها علاوه بر اینکه خودشان یک هش دارند حاوی هش بلاک قبلی هم بوده و کوچک‌ترین تغییری در اطلاعات یک بلاک، باعث تغییر کلی هش و بی‌اعتباری بلاک چین می‌شود. بدیهی است که بلاک اولیه (جنسیس) این زنجیره، هش بلاک قبل ندارد. داده‌های بلاک‌چین به هر کامپیوتر یا سیستمی که به شبکه وصل می‌شود یک نسخه از اطلاعات را ارسال می‌کند. به هر کامپیوتری که به شبکه متصل و یک کپی از بلاک‌چین را دریافت می‌کند، نود (Node) می‌گویند.



وقتی بازنگری تحول می‌آفریند

فناوری بلاک‌چین از ترکیب سه فناوری زیربنایی تشکیل شده است که هماهنگی آن‌ها یک فناوری جدید می‌آفریند.

۱. رمزنگاری

۲. یک شبکه و دفتر کل توزیع شده

۳. قوانین و انگیزه (به منظور تایید تراکنش‌ها، نگهداری سوابق و حفظ امنیت شبکه)

رمزنگاری:

وقتی دو نفر می‌خواهند از طریق اینترنت با یکدیگر تراکنش برقرار کنند، هرکدام دارای یک **کلید خصوصی (Private key)** و یک **کلید عمومی (Public key)** هستند. ترکیب این دو کلید نوعی

امضاء به نام **امضاء دیجیتال** پدید می‌آورد و باعث ایجاد هویت دیجیتال امن و مطمئن می‌شود. فعالیت در بلاک‌چین علاوه بر امن و مطمئن بودن نیاز به آزادی و اجازه انجام و تایید تراکنش برای هرکس را دارا است که با یک شبکه و دفتر کل توزیع شده حل می‌شود.

یک شبکه و دفتر کل توزیع شده:

اگر به مثال اشتراک نسخه کپی توجه کنید افراد دارنده کپی در این شبکه را به اصطلاح **اعتبارسنج** می‌نامیم که شواهد را ثبت و در مورد آن به توافق می‌رسند و در واقعیت برای تایید شواهد به جای نسخه‌های کپی از ریاضیات (هش‌ها) بهره می‌گیریم.

قوانین و انگیزه:

برای بقا و حفظ امنیت نیاز به مشارکت افرادی داریم که این افراد با یک انگیزه (معمولاً پول) جذب شبکه می‌شوند. در مبحث بیت‌کوین و اتریوم، **استخراج یا ماینینگ (Mining)** برای ایجاد انگیزه و حفظ امنیت شبکه استفاده می‌شود. با ارائه توان پردازش کامپیوتری برای شبکه، کامپیوترها برای به دست آوردن پاسخ یک معادله ریاضی با هم رقابت می‌کنند. به هر کامپیوتر که بتواند پاسخ آن را بدست آورد پاداش تعلق می‌گیرد که این پاداش انگیزه است. در مورد بیت‌کوین هدف از ماینینگ، جلوگیری از دوباره خرج کردن بیت‌کوین است.

اگر به صورت **تمثیلی** به هر بلاک (مکعب مربع) نگاه کنیم وجوه آن به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

۱. کلید خصوصی
۲. کلید عمومی (از این دو کلید امضاء دیجیتال حاصل می‌شود)
۳. برجسب زمان (تاریخ)
۴. اطلاعات
۵. معادلات ریاضی (هش‌ها)
۶. مشارکت افراد (با وجود انگیزه برای هدف واحد)

که این بلاک‌ها با وجه ۶ خود به هم متصل می‌شوند و بلاک چین را می‌سازند.

مقایسه‌ی دیتابیس سنتی و

دیتابیس بلاک‌چین

بانک اطلاعاتی یا پایگاه داده یا دیتابیس (Data base) به مجموعه‌ای از اطلاعات با ساختار منظم گفته می‌شود که این اطلاعات معمولاً در

قالبی خوانا برای دستگاه‌ها و رایانه‌ها ذخیره می‌شوند. بلاک‌چین مجموعه‌ای از پایگاه‌های داده است که فواید آن در مقابل دیتابیس سنتی قابل مقایسه نیست. در ادامه به تفاوت‌های آن‌ها می‌پردازیم.

• کنترل غیرمتمرکز:

پایگاه داده بلاک‌چین، به صورت غیرمتمرکز و در یک شبکه توزیع شده اداره شده و توسط شخصی یا نهادی خاص اداره نمی‌شود اما در پایگاه داده‌های سنتی، شخصی یا گروهی مالک آن هستند و می‌توانند اطلاعات را از بین برده یا تغییر در آن ایجاد کنند. این ویژگی سبب جلوگیری از هک می‌شود زیرا در دیتابیس‌های سنتی هرکس با یک یا

چند سرور سروکار دارند و با هک کردن آن‌ها به اطلاعات دست می‌یابند ولی در بلاک‌چین هرکس با میلیون‌ها کامپیوتر امنیتی روبرو هستند و برای نفوذ به شبکه باید حداقل ۵۱ درصد کامپیوترها را هک کنند که غیرممکن است.

• ثبت تاریخچه:

اکثر دیتابیس‌های سنتی و متمرکز تاریخچه اطلاعات، فقط تا زمان محدودی ذخیره می‌شوند و ممکن است با ایجاد مشکلی برای سرور کلیه تاریخچه‌ها و گزارشات پاک شوند یا فردی تاریخچه را پاک کند اما در دیتابیس بلاک‌چین اطلاعات به صورت نامحدود و غیرقابل تغییر است. به طور مثال، در سیستم ثبت سوابق جرم بلاک‌چین، فرد با نفوذ یا دولت نمی‌تواند سوابق جرم کسی را پاک یا تغییر دهد.

• سرعت:

در زمینه سرعت، سرعت بلاک چین کمی پایین تر از دیتابیس های سنتی هم چون سلیت ویزا است و این به دلیل توزیع بودن شبکه و استفاده از کامپیوترها در سراسر دنیا و نیاز به بررسی یک تراکنش یا یک گزارش و رای دادن است. البته این زمان برای ما اصلاً طولانی نیست شاید در بدترین حالت یک ساعت برای تایید طول بکشد که این زمان نمی تواند جلوی استفاده از این فناوری را بگیرد.

• محرمانه بودن:

با توجه به غیر متمرکز و کنترل نشده بودن دیتابیس بلاک چین و امکان ارسال بلاک جدید به زنجیره توسط هرکسی با استفاده از کلیدهای رمزنگاری، **محرمانه بودن** تراکنش ها و گزارشات تحقق می یابد.

رسالت بلاک چین در دنیا

همانطور که گفته شد فناوری بلاک چین دارای مشخصه هایی همچون غیرمتمرکز بودن است و از حذف داده ها جلوگیری می کند.

این ویژگی ها سبب کاربردهای گوناگون فناوری بلاک چین شده است که در ادامه به آن ها می پردازیم.

• حوزه سلامت و علوم:

با استفاده از بلاک چین، می توان داده های پزشکی و تحقیقاتی را به صورت ایمن و ماندگار ثبت کرد و از اتلاف وقت به علت کارکردن چند تیم تحقیقاتی بر روی یک موضوع واحد جلوگیری کرد.

• انتخابات و رای گیری:

با وجود مشکل عدم شفافیت در رای گیری ها و خطر تقلب، استفاده از بلاک چین باعث ایجاد یک انتخابات شفاف، غیرمتمرکز و به دور از تقلب می شود. متأسفانه به دلیل عدم وجود زیرساخت های لازم از این فناوری برای رای گیری هایی در مقیاس بزرگ تاکنون استفاده نشده است.

• مالکیت معنوی:

یک اثر همچون فیلم یا موسیقی پس از انتشار در فضای اینترنت به شدت در خطر نقض قانون کپی رایت است که با استفاده بلاک چین می توان از قرارداد هوشمند بهره برد و برای استفاده از آثار، شرایط خاصی چون پرداخت بها با یک توکن خاص تعیین کرد.

• توکنیزه کردن دارایی ها:

با بلاک چین می توان دارایی ها را به توکن ها تبدیل کرده و به صورت دارایی دیجیتال، قابل انتقال عرضه کرد. مثلاً می توان یک شرکت را به هزاران توکن تبدیل و نسبت به بودجه متقاضیان به فروش رساند.

• هویت سنجی:

از آن جایی که در دفتر کل بلاک چین، می توان هر نوع اطلاعاتی را ثبت کرد، در زمینه هویت سنجی ایمن می توان از بلاک چین استفاده کرد.

• زنجیره تأمین و ردگیری:

از بلاک چین می توان برای رهگیری و سنجش زنجیره تأمین بهره برد و از تمام مراحل تولید و برداشت محصول از ابتدا تا انتها را توسط اسکن کردن QR باخبر شد.

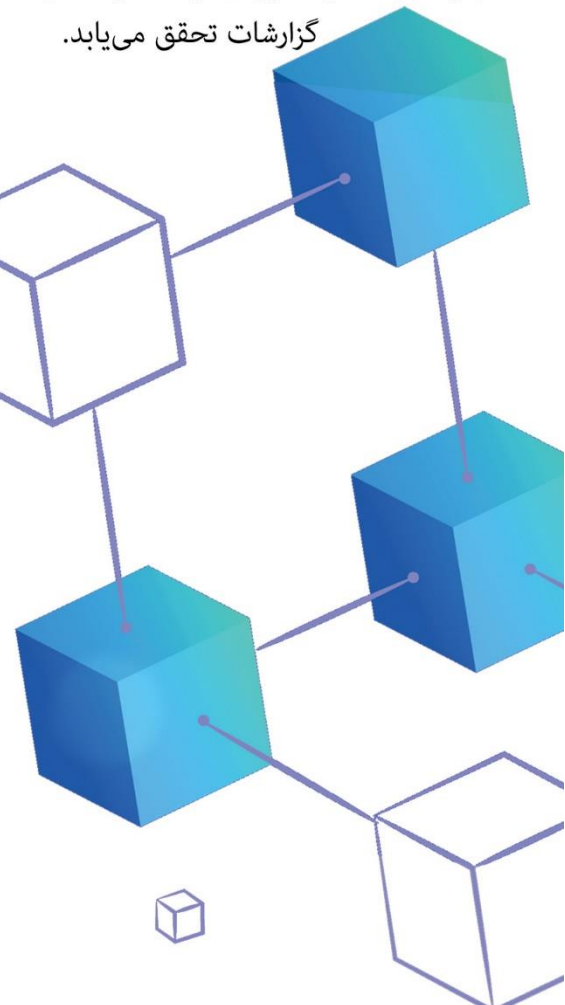
• حسابداری:

در زمینه حسابداری با وجود امنیت و عدم تمرکز و همچنین عدم امکان تغییر اطلاعات در بلاک چین باعث عدم نیاز به حسابرسان و بازرسان خارجی در زمان تهیه صورت های مالی می شود. در زمینه حسابداری مالیاتی نیز، باعث جلوگیری از فرارهای مالیاتی می شود و به طور کلی بلاک چین کمک های شایانی به حسابداری می کند.

• منابع:



اسکن کنید

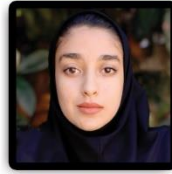


حاکمیت شرکتی و تاثیرات آن



نویسنده: محدثه اصغری

دانشجوی کارشناسی حسابداری ۹۷



نویسنده: مهسا شادکام

دانشجوی کارشناسی حسابداری ۹۶



نویسنده: نگار اوانپور / دانشجوی کارشناسی حسابداری ۹۷

مقدمه

یکی از عوامل اصلی بهبود کارایی اقتصادی، نظام راهبردی بنگاه (حاکمیت شرکتی) است.

نظام راهبردی بنگاه ساختاری را فراهم می‌کند که از طریق آن، اهداف بنگاه تنظیم و وسایل دستیابی به اهداف و نظارت بر عملکرد تعیین می‌شود و با توجه به جهانی شدن معاملات و پیچیدگی آن‌ها حاکمیت شرکتی، بایستی اجتناب ناپذیر است.

راهبردی بنگاه بر موارد مختلفی از عملکرد شرکت اثرگذار است و در این شماره به بررسی حاکمیت شرکتی بر سطح نگهداشت وجه نقد می‌پردازیم.

(موارد دیگر را در شماره‌های بعدی نشریه می‌خوانید...)

حاکمیت شرکتی چیست؟

حاکمیت شرکتی معمولاً در قالب مجموعه‌ای از سازوکارهای طراحی شده به منظور کاهش مشکلات نمایندگی میان سهامداران و مدیران، به دلیل تفکیک مالکیت و کنترل تعریف می‌شود که در سطح وسیع، سازوکارهای داخلی (هم‌چون نقش، ساختار و انگیزه‌های هیئت مدیره، ساختار سرمایه و...) و سازوکارهای خارجی (هم‌چون قوانین و مقررات،

مدل برون سازمانی در آمریکا و انگلیس و مدل درون سازمانی در آسیا و اروپای شرقی است.

در تقسیم بندی دیگری، سیستم‌های حاکمیت شرکتی به سه دسته طبقه بندی می‌شوند:

- سیستم آمریکایی انگلیسی
- سیستم اجتماعی
- سیستم اقتصاد نوظهور

در سیستم آمریکایی انگلیسی، عمده مالکان شرکت را سهامداران نهادی تشکیل می‌دهد، از این رو سیستم مذکور با عنوان سیستم سهامدار محور شناخته می‌شود. در این سیستم ضمن توجه بسیار به سازوکار مالکیت نهادی، به تمرکز مالکیت در سطح پایین تأکید می‌شود.

در سیستم اجتماعی، بانکداری بخش گسترده‌ای از مالکیت شرکت را دست دارد و با مالکیت متمرکز، بر عملکرد شرکت نظارت می‌کند. در سیستم اقتصاد نوظهور، تعداد اندکی سهامدار نهادی وجود دارد و مالکیت خانوادگی متمرکز در شرکت، سبب ایجاد ساختاری در شرکت می‌شود که در آن، خانواده‌ها در تصمیم‌گیری‌های انجام گرفته در رابطه با منافع خود شرکت می‌کنند. در واقع این مالکان خانوادگی هستند که اعضای هیئت مدیره را انتخاب می‌کنند.

بازار سرمایه، بازار محصول و ...) را شامل می‌شود.

عبارت حاکمیت شرکتی از واژه یونانی kyberman به معنی هدایت کردن و یا راهنمایی کردن ریشه گرفته است.

حاکمیت شرکتی در مفهوم کلی به ساختارها و فرایندهای تصمیم‌گیری، پاسخگویی و رفتار در سازمان می‌پردازد. هدف از اعمال حاکمیت شرکتی، اطمینان از برقراری چارچوبی است که توازن مناسبی بین آزادی عمل مدیریت، پاسخگویی و منافع انواع ذی نفعان فراهم آورد.

اهداف نهایی حاکمیت شرکتی، دستیابی به چهار مورد زیر است؛

- پاسخگویی
- شفافیت
- رعایت حقوق ذی نفعان
- عدالت

حاکمیت شرکتی در کشورهای

مختلف:

سیستم‌های حاکمیت شرکتی در کشورهای مختلف نسبت به یکدیگر تفاوت‌هایی دارند که از دلایل این تفاوت‌ها، می‌توان به قوانین متفاوت کشورها، ویژگی‌های بازار سرمایه، فرهنگ، تاریخ و سازمان‌های صنعتی متفاوت اشاره کرد. رایج‌ترین طبقه‌بندی برای انواع مختلف سیستم‌های حاکمیت شرکتی،

• نظریه‌های مرتبط با سطح نگهداشت وجه نقد نظریه موازنه:

طبق این نظریه، شرکت‌ها میزان بهینه وجه نقد خود را با برقراری يك موازنه میان منافع و هزینه‌های نگهداری وجه نقد تعیین می‌کنند. در حقیقت، شرکت‌ها سطح بهینه وجه نقد خود را با تعیین میزان اهمیت هزینه‌های نهایی و منافع نهایی ناشی از نگهداری وجه نقد تنظیم می‌کنند. نکته مهم این نظریه این است که سطح مطلوبی از وجه نقد برای شرکت‌ها وجود دارد که در آن مدیریت با رویکردی فعالانه، بر اساس تحلیل هزینه منفعت نسبت به نگهداری وجه نقد تصمیم‌گیری می‌کند.

نگهداری وجه نقد از احتمال بحران مالی می‌کاهد و به عنوان ذخیره‌های امن برای مواجهه با زیان‌های غیرمنتظره به شمار می‌رود و همچنین پیگیری سیاست‌های سرمایه‌گذاری بهینه را در زمانی که شرکت با محدودیت‌های مالی مواجه است، ممکن می‌سازد و نهایتاً به کم کردن هزینه‌های جمع‌آوری منابع مالی یا نقد کردن دارایی‌های موجود کمک می‌کند. بر اساس این نظریه، مدیریت برای حداکثرسازی ثروت سهامداران، باید مانده وجه نقد شرکت را به نحوی تنظیم نماید که منافع نهایی ناشی از نگهداری وجه نقد با هزینه‌های نهایی آن برابر شود.

با توجه به ویژگی‌های مطرح شده برای هر سه نوع سیستم، کشور ایران با مدل درون سازمانی همچون سایر کشورهای آسیایی، در دسته سیستم‌های با اقتصاد نوظهور قرار می‌گیرد.

تأثیر حاکمیت شرکتی بر نگهداشت وجه نقد

• بررسی نگهداشت وجه نقد در شرکت:

اگرچه وجه نقد نگهداری شده در تاریخ ترازنامه، دارایی مهمی برای شرکت محسوب می‌شود، نگهداری بیش از اندازه آن می‌تواند نشانه‌ای از ناکارآمدی در تخصیص منابع باشد و هزینه‌های زیادی را بر شرکت تحمیل کند.

نگه داشت منابع شایان توجه وجه نقد در شرکت، می‌تواند موجب ناکارآمدی مدیریت منابع از طریق دسترسی آسان افراد کنترل کننده شرکت به این منابع نقدی شود. به ویژه دسترسی به وجه نقد مازاد بر نیاز فعالیت‌های عادی شرکت، ریسک استفاده از این وجوه توسط سهامداران کنترل کننده که تأثیر چشمگیری بر تصمیم‌های شرکت دارند را افزایش می‌دهد. همچنین ممکن است مدیریت به دنبال نگهداشت وجه نقد به منظور پیشگیری از اقدام‌های فرصت طلبانه‌ای باشد که لزوماً منطبق بر منافع سهامداران نیست، از جمله رشد شرکت به جای افزایش ارزش سهامداران که به دلیل مشکلات نمایندگی، ممکن است مدیران از منابع نقدی شرکت به منظور افزایش ارزش سهامداران استفاده نکنند.



نظریه سلسله مراتب تأمین مالی:

طبق این نظریه، شرکت‌ها تأمین مالی از منابع داخل شرکت را به تأمین مالی خارجی که به اطلاعات حساس است، ترجیح می‌دهند. این نظریه بر مبنای این فرض قرار دارد که افراد داخل شرکت آگاه‌تر از سهامداران هستند. اگر منابع داخل شرکت برای تأمین مالی برنامه‌های سرمایه‌گذاری بهینه، کافی نباشد و عدم تقارن اطلاعاتی نیز مانع شود، مدیران ممکن است مجبور به صرف نظر کردن از پروژه‌های سودآور شوند. در این حالت وجه نقد بسیار ارزشمند است و تنها فرصت برای انتشار سهام بدون از دست دادن ارزش بازار، زمانی رخ میدهد که عدم تقارن اطلاعات وجود نداشته و یا بسیار کم باشد. بنابراین، در بحث تأمین مالی، شرکت‌ها منابع سرمایه‌گذاری را ابتدا از منبع سود انباشته، بعد از آن با بدهی‌های کم‌خطر و سپس پرخطر و سرانجام با انتشار سهام، تأمین مالی می‌نمایند. هدف از رعایت ترتیب مذکور این است که از هزینه‌های عدم تقارن اطلاعاتی و سایر هزینه‌های تأمین مالی کاسته شود. در این میان زمانی که جریان‌های نقد عملیاتی برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های جدید کافی هستند، شرکت‌ها بدهی را بازپرداخت نموده، وجه نقد را انباشته می‌کنند و زمانی که برای تأمین سرمایه‌گذاری‌های جاری، سود انباشته کافی نباشد، شرکت‌ها از مانده وجه نقد انباشته شده استفاده می‌نمایند و اگر نیاز باشد، بدهی ایجاد می‌نمایند. طبق این

دیدگاه، به واسطه عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات ناشی از تأمین مالی خارجی، سیاست‌های تأمین مالی از یک رویه سلسله مراتبی مبنی بر ترجیح منابع داخلی بر خارجی پیروی می‌کنند. در نتیجه، چون مدیریت، منابع داخلی تأمین مالی را بر منابع خارجی ترجیح می‌دهد، تمایل به انباشت وجه نقد دارد تا بتواند در مرحله اول از داخل شرکت تأمین مالی را انجام دهد و به خارج از شرکت رجوع ننماید.

نظریه جریان وجه نقد آزاد:

این نظریه، بیان می‌دارد که وجوه نقد داخلی بیشتر به مدیران اجازه می‌دهد تا از کنترل بازار اجتناب کنند. در این حالت، آن‌ها به موافقت سهامداران نیاز ندارند و برای تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری‌ها بر حسب اختیار خود آزاد هستند. مدیران مایل به پرداخت وجه نقد (مثل سود سهام) نبوده، دارای انگیزه برای سرمایه‌گذاری هستند؛ حتی زمانی که هیچ سرمایه‌گذاری با خالص ارزش فعلی مثبت موجود نباشد. جریان نقد آزاد نقدی است، مازاد بر آنچه که برای تأمین مالی تمامی پروژه‌های با خالص ارزش فعلی مثبت که با نرخ هزینه سرمایه مربوطه تنزیل می‌شود، باقی می‌ماند. تضاد منافع بین سهامداران و مدیران در خصوص سیاست‌های پرداخت سود سهام، مخصوصاً زمانی که سازمان‌ها جریان‌های نقد آزاد قابل توجهی دارند، بیشتر است. مسأله اینجاست که چگونه می‌توان مدیران را به جای سرمایه‌گذاری یا اسراف در مصرف



جریان نقد آزاد، مجبور به پرداخت سود سهام کرد. پرداخت به سهامداران از قدرت مدیران می‌کاهد و از سوی دیگر، ممکن است در صورت نیاز به تأمین سرمایه توسط بازارهای سرمایه، تحت کنترل و نظارت قرار گیرند، در حالی که تأمین مالی داخلی مدیران را قادر می‌سازد از این نظارت شانه خالی کنند. همچنین، اگر مدیران جریان‌های نقدی آزاد را به جای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کم بازده توزیع نمایند، سبب می‌شود در مورد چگونگی استفاده از جریان‌های نقدی آتی هم تصمیم‌گیری نمایند، چرا که اگر در آینده سود پرداخت نکنند، قیمت سهام آن‌ها به شدت کاهش خواهد یافت. بر اساس این نظریه، مدیران، انگیزه دارند که وجه نقد را انباشت نمایند تا منابع تحت کنترل خود را افزایش داده، بتوانند در خصوص تصمیم‌های سرمایه‌گذاری شرکت از قدرت قضاوت و تشخیص بهره‌مند شوند. به همین دلیل، با وجه نقد شرکت فعالیت می‌کنند تا از این طریق مجبور به ارائه اطلاعات مشروح به بازار سرمایه نشوند؛ هر چند مدیران ممکن است سرمایه‌گذاری‌هایی را انجام دهند که اثر منفی بر ثروت سهامداران داشته باشد.

حاکمیت شرکتی یا شرکت برای حاکمیت؟!

در ادامه به بررسی شش ویژگی حاکمیت شرکتی یعنی مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت، اتکا بر بدهی، دوره تصدی مدیرعامل،

استقلال هیئت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و رابطه این ویژگی‌ها بر سطح نگهداشت وجه نقد پرداخته می‌شود.

• مالکیت نهادی

مالکیت نهادی به مجموع درصدی از سهام شرکت اطلاق می‌شود که متعلق به بانک‌ها، بیمه‌ها، نهادهای مالی، شرکت‌های مادر، سازمان‌ها و نهادها و شرکت‌های دولتی است. سرمایه‌گذاران نهادی با جمع‌آوری اطلاعات در خصوص تصمیم‌های مدیریت به طور ضمنی و از طریق اداره نحوه عملکرد شرکت به شکل صریح، بر شرکت نظارت می‌کنند. نظارت بر شرکت‌ها از طریق سرمایه‌گذاران نهادی می‌تواند مدیران را برای توجه بیشتر بر عملکرد شرکت و توجه کمتر به رفتار فرصت طلبانه یا خدمت به خود وادار کند. کاهش رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت از طریق نظارت سهامداران نهادی، می‌تواند به مدیریت کارآمد منابع نقدی شرکت منجر شود؛ از این رو انتظار می‌رود بین مالکیت نهادی و سطح وجه نقد نگهداری شده، رابطه منفی وجود داشته باشد.

• تمرکز مالکیت

افزایش تمرکز مالکیت سهامداران بزرگ، انگیزه کافی برای نظارت بر مدیران فراهم می‌کند. بر اساس این دیدگاه، دارندگان سهام بیشتر با انگیزه بیشتری هزینه‌های جمع‌آوری اطلاعات و دخالت در نظارت مدیریت را تحمل می‌کنند و هرچه سهامداران منافع کمتری از شرکت

بدست آورند، انگیزه کمتری برای نظارت بر شرکت دارند زیرا در این صورت هزینه‌ی نظارت بر شرکت از منافع آن بیشتر خواهد بود. این استدلال با دیدگاهی که تمرکز مالکیت ویژگی نظارتی حاکمیت شرکتی است، هم‌خوانی دارد. بنابراین می‌توان گفت بین تمرکز مالکیت و سطح وجه نقد نگهداری شده، رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

• اتکای بر بدهی

زمانی که شرکت‌ها بدهی‌های بیشتری دارند، انگیزه‌های بیشتری برای نظارت بر مدیران و کاهش رفتارهای فرصت طلبانه، ایجاد می‌شود. طبق این ویژگی، افرادی که بر عملکرد مدیریت و شرکت نظارت می‌کنند، بستانکاران شرکت هستند. با افزایش نظارت بر مدیریت، توانایی مدیریت برای استفاده فرصت طلبانه از وجوه نقد کاهش می‌یابد. در نتیجه بین ویژگی اتکای بر بدهی و سطح وجه نقد نگهداری شده، رابطه منفی و معناداری برقرار است.

• مدت زمان تصدی مدیرعامل

مدیرعامل در جایگاهی قرار دارد که ترکیب هیئت مدیره را کنترل می‌کند؛ بنابراین می‌تواند موجب کاهش توانایی نظارتی هیئت مدیره شود. افزایش دوره تصدی مدیرعامل می‌تواند موجب استحکام موقعیت مدیرعامل و افزایش ثبات و قدرت وی شود.

از این رو مدیران به احتمال کمتری در جهت منافع سهامداران عمل می‌کنند و انگیزه رفتارهای فرصت طلبانه آنان افزایش می‌یابد. در مقابل، دسته دیگری از مطالعات استدلال می‌کنند، چنانچه مدیرعامل دوره تصدی کوتاه مدتی را برای خود پیش بینی کند، سعی می‌کند از مدت کوتاهی که در این سمت قرار دارد برای رسیدن به منافع شخصی استفاده کند؛ بنابراین با کاهش دوره تصدی مدیرعامل، از کارایی عملکرد وی کاسته می‌شود پس می‌توان انتظار داشت با کاهش دوره تصدی مدیرعامل، وجه نقد نگهداری شده افزایش یابد.

• استقلال هیئت مدیره

هیئت مدیره شرکت، نهاد هدایت کننده‌ای است که نقش نظارت بر کار مدیران اجرایی را به منظور حفظ منافع مالکیتی سهامداران بر عهده دارد. از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور اعضای غیرموظف در ساختار هیئت مدیره شرکت ها و عملکرد نظارتی آن‌ها در جایگاه افراد مستقل، به کاهش تضاد منافع بین مدیران و ذی‌نفعان کمک می‌کند. با در نظر گرفتن این مطلب که هیئت مدیره مستقل می‌تواند موجب نظارت بیشتر بر عملکرد مدیرعامل شود؛ انتظار می‌رود شرکت‌هایی که از هیئت مدیره مستقلی برخوردارند، وجه نقد کمتری نگهداری کنند. به بیان دیگر، بین استقلال هیئت مدیره و

وجه نقد نگهداری شده رابطه منفی معناداری برقرار است.

• دوگانگی وظیفه مدیرعامل

دوگانگی وظیفه مدیرعامل به حالتی گفته می‌شود که مدیرعامل، رئیس هیئت مدیره نیز باشد. این وضعیت موجب می‌شود مدیرعامل با اختیار بیشتری اطلاعات در دسترس سایر اعضا را کنترل کند و در نتیجه ممکن است این موضوع مانع نظارت مؤثر بر مدیرعامل شود. دوگانگی وظیفه مدیرعامل ممکن است وظیفه امانت‌داری هیئت مدیره در نظارت بر گزارشگری مالی را مختل کند. بنابراین انتظار می‌رود بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و سطح وجه نقد نگهداری شده، رابطه مثبت و معناداری ایجاد شود.

با در نظر گرفتن مطالب بالا و پژوهش‌های پیشین در سال‌های گذشته، فرضیه‌های زیر مطرح شده‌اند:

۱. بین مالکیت نهادی و سطح وجه نقد نگهداری شده، رابطه منفی و معنادار وجود دارد.
۲. بین تمرکز مالکیت و سطح وجه نقد نگهداری شده، رابطه منفی و معنادار وجود دارد.
۳. بین اتکا بر بدهی و سطح وجه نقد نگهداری شده، رابطه منفی و معنادار وجود دارد.
۴. بین مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیئت مدیره و سطح وجه نقد نگهداری شده، رابطه معنادار وجود دارد.
۵. بین استقلال هیئت مدیره و سطح نگه داشت وجوه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه منفی و معنادار وجود دارد.
۶. بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و سطح نگه داشت وجوه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

تهران، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. پس از انجام محاسبات لازم بر روی داده‌های مربوط به جامعه آماری (جامعه آماری این پژوهش را تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ پوشش داده است) نتایج زیر بدست آمد:

۱. بین مالکیت نهادی و وجه نقد نگهداری شده رابطه منفی و معناداری برقرار است.
۲. بین تمرکز مالکیت و وجه نقد نگهداری شده رابطه معناداری وجود ندارد (با توجه به مبانی نظری، یکی از دلایل احتمالی آن، به این دیدگاه باز می‌گردد که سرمایه‌گذاران کنترل‌کننده نفوذ زیادی در شرکت دارند و می‌توانند وجوه نقد نگهداری شده را در جهت منافع‌شان استفاده کنند).
۳. بین اتکا بر بدهی و وجه نقد نگهداری شده، رابطه منفی و معناداری برقرار است.
۴. بین دوره تصدی مدیرعامل و وجه نقد نگهداری شده، رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود.
۵. بین استقلال هیئت مدیره و وجه نقد نگهداری شده، رابطه منفی و معناداری وجود دارد.
۶. بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و وجه نقد نگهداری شده، رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین قابل ذکر است که با توجه به نظریه‌های مطرح در حاکمیت شرکتی هم‌چون نظریه نمایندگی، نظریه معاملاتی شرکت و نظریه ذی‌نفعان، نظر حسابرس شرکت و تغییر حسابرس شرکت بر سطح نگهداشت وجه نقد در شرکت اثرگذار است.

منابع:



اسکن کنید

نقش حسابداری در کاهش فقر



نویسنده: حسام لطفی

دانشجوی کارشناسی حسابداری ۹۶



مقدمه

پدیده بحران مالی مقوله‌ای است که خود پیامد و اثر سوء رفتارهای اقتصادی قدرت‌های پولی جهان می‌باشد که با تورم شدید در بازارهای سهام، کاهش تولیدات صنعتی، ورشکستگی بانک‌ها و بنگاه‌های صنعتی بزرگ و در نهایت کاهش ثروت و بیکاری شدید مردم و در یک کلام کاهش شدید رشد اقتصادی و در نهایت بی‌ثباتی اقتصادی همراه می‌باشد. و باعث افزایش تعداد افرادی که در زیر خط فقر جای دارند خواهد شد. دیدگاه‌های مختلفی در رابطه با این بحران‌های مالی و علل به وجود آمدن آن مطرح گشته است. بعضی از این دیدگاه‌ها، انگشت اتهام را به سمت حسابداران اشاره برده‌اند اما واقعاً به چه میزان حسابداران در این زمینه مقصر بوده‌اند؟

جایگاه حسابداران در اقتصاد:

با نگاهی کلی به حوزه فعالیت حسابداران خواهیم دید که حسابداران از پایین‌ترین سطح مشاغل تا بالاترین حوزه‌ها در حال فعالیت می‌باشند و تأثیر بسزایی در حوزه گزارشگری مالی در جهت پرداخت مالیات، اطلاعات مالی به ذی‌نفعان شرکت و جهت‌دهی روند حرکت موسسه مالی در جهت سودآوری بیشتر دارند.

اما در نگاه دیگر حسابداران و حساب‌برسان هزینه‌های تحمیلی بر شرکت هستند که باعث افزایش هزینه‌ها شده و کمکی در جهت افزایش تولید در شرکت ندارند، این افراد توانایی‌های حسابداران را در کاهش هزینه‌های مالیاتی، بیمه‌ای و ارائه گزارشات به ظاهر واقعی دانسته و در این راستا هزینه‌های هنگفتی بابت استفاده از حسابداران را می‌پردازند.

متأسفانه حسابداران به علت عدم جایگاه اقتصادی مناسب در جامعه و عدم حمایت از سمت دولت در پرداخت حق الزحمه، به این نوع خواسته‌ها از سوی کارفرما تن می‌دهند که مصداق بارزی از فساد در جامعه می‌باشد.

فقر:

فقر به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد از منابع لازم برای برخورداری از رژیم غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و امکانات معمول زندگی محروم باشد. به طوری که فقدان این قابلیت‌ها نزد فرد به منزله فقیر بودن وی است. تمامی تعاریف فقر به نوعی به محرومیت از رفاه اشاره دارند.

خط فقر:

خط فقر نقش بسیار کلیدی در مشخص نمودن تعداد فقیر در هر نقطه از جهان و حداقل هزینه‌های یک فرد جهت رسیدن به خط فقر را

مشخص می‌کند

در تعریف خط فقر

با دو نوع نسبی و مطلق رو به رو می‌شویم.

خط فقر مطلق، عبارت است از حداقل امکاناتی که عدم تأمین آن موجب می‌شود فرد به عنوان فقیر در نظر گرفته شود.

خط فقر نسبی عبارت است از میزان درآمدی که فرد برای برخورداری از شرایط استاندارد زندگی در جامعه نیاز دارد. خط فقر نسبی با تغییر استاندارد زندگی تغییر می‌کند.

شکاف درآمدی:

نابرابری اقتصادی تفاوت موجود در معیارهای مختلف از نظر رفاه اقتصادی در میان افراد یک گروه، در میان گروه‌های موجود در یک جمعیت، یا در میان مردمان کشورها است. از نابرابری اقتصادی گاهی اوقات به نام نابرابری درآمد، نابرابری ثروت، یا شکاف ثروت یاد می‌شود. شکاف درآمدی در بین جوامع در دوره‌های مختلف تاریخی و نیز در سیستم‌ها و ساختارهای اقتصادی مختلف، متفاوت است. این عوامل می‌توانند به توزیع مقطعی

درآمد یا ثروت در هر دوره خاص یا به تغییرات درآمد و ثروت در دوره‌های بلند مدت اشاره کنند. شاخص‌های عددی مختلفی برای اندازه‌گیری نابرابری اقتصادی وجود دارد. یک شاخصی که به‌طور گسترده استفاده می‌شود ضریب جینی است.

رتبه ایـران در سال ۹۸ در بین ۱۵۲ کشور حاضر در این رتبه‌بندی در رتبه ۹۸ قرار دارد که در نوع خود قابل تأمل می‌باشد.

تحلیل نقش حسابداران در کاهش فقر:

در شرایطی که وضعیت شغلی حسابداران در دستان کارفرمایان است و نگاه نادرست کارفرما به توانایی‌های حسابداران باعث شده است حسابدارانی بتوانند در جایگاه شغلی خود باقی بمانند که بتوانند رضایت مدیران خود را در جهت رسیدن به اهداف خود کسب نمایند، در همین راستا شاهد فسادهای کلان مالی، سند سازی، دو دفتری و تهیه گزارشات مالی نادرستی از سودآوری شرکت‌ها در مراجع مربوطه شده است و اما سوالی که مطرح است این است که این نوع از گزارشگری چه تأثیری بر روی تعداد فقیران گذاشته است؟

بطور کلی می‌توان این مسئله را در چهار حوزه مختلف مورد بررسی قرار داد: ۱. عدم توازن کسب درآمد و افزایش چشم‌گیر شکاف درآمدی، بین کارگران و مدیران که این عدم توازن در صورتی که ادامه پیدا کند روز به روز شاهد تقویت جایگاه ثروتمندان در جامعه خواهیم بود.

۲. همانطور که مشخص است درآمد عمده دولت‌ها، از مالیات اخذ شده از عموم جامعه می‌باشد. وجود فرارهای مالیاتی باعث عدم توانایی دولت در پوشش هزینه‌ها و باعث به وجود آمدن کسری بودجه و عدم توانایی دولت در امر سرمایه‌گذاری و ... می‌شود که باعث بروز آسیب‌های گسترده‌ای در آینده کشور خواهد شد از جمله پرداخت وام‌هایی که در راستا کسری بودجه، در گذشته اخذ شده است. ۳. بخش مهمی از استفاده‌کنندگان گزارشات تهیه شده توسط حسابداران، سرمایه‌گذاران می‌باشند که این اطلاعات را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند، ارائه گزارشات نادرست و مطابق با میل مدیران، باعث اشتباهات غیرقابل جبرانی برای سرمایه‌گذاران می‌شود و باعث نابودی سرمایه آن‌ها خواهد شد. ۴. عامل دیگری که در این روزها به شدت باعث افزایش فقر مطلق در جامعه گشته است، عدم گزارشگری درست از میزان صادرات و واردات و درآمدها و عایدات حاصل از این معاملات می‌باشد که در این رابطه می‌توان به این موضوع اشاره کرد که مدیران سود جو، با بهره‌گیری از توانایی‌های حسابداران در ارائه گزارشات نادرست توانستند به این مهم دست یابند و همین موضوع باعث ایجاد تورم در نرخ ارز عدم گردش درست ارزهای مختلف و کمبود ارز در کشور شده است و همین عاملی بر افزایش نرخ اجناس مورد نیاز جامعه شده است.

نتیجه‌گیری:

وظیفه اصلی حسابداران و نقش قانونی آنان مبارزه با فساد نیست اما سمت‌های حساس آن‌ها در واحدهای اقتصادی و ویژگی‌های یاد شده و

نقش آن‌ها در حفظ منافع عمومی، جایگاه آنان را در تلاش‌های اجتماعی برای مبارزه با فساد برجسته می‌سازد. فدراسیون بین‌المللی حسابداران، در این زمینه که حسابداران چگونه می‌توانند نقش بزرگی در کاهش فساد در سراسر جهان ایفا کنند، نتایج مطالعه‌ی جدید خود را منتشر کرده است. یافته‌های این مطالعه تحت عنوان "حرفه‌ی حسابداری، ایفای نقش مثبت در مبارزه با تقلب" نشان می‌دهد، افزایش در شاخص شفافیت بین‌المللی و بهبود شاخص فساد جهانی، با سهم بالای حسابداران در مبارزه‌ی واقعی با تقلب، همبستگی مثبت دارد. در شرایطی که اکثر قوانینی که از سوی حاکمیت وضع شده و در حال اجرایی شدن است، در جهت دریافت مالیات از افرادی می‌باشد که حقوق ثابت و درآمدهای مشخص دارند و در عین حال مبالغ کلانی از طریق همین فسادهای مالی نادیده گرفته می‌شود، با تغییر نگرش حاکمیت و حمایت از حسابداران در جهت ایجاد جایگاه شغلی با امنیت شغلی بیشتر، شاهد پابندی به آیین رفتار اخلاقی در گزارشگری و ایجاد شفافیت بیشتر در گزارشات خواهیم بود و این خود عاملی در جهت کاهش عایدی مدیران سودجو و کمک به جامعه خواهد بود.

منابع:



اسکن کنید

مصاحبه
کننده:
سید علی
حجتیان



دانشجوی کارشناسی حسابداری ۹۵

گفتگو با جناب

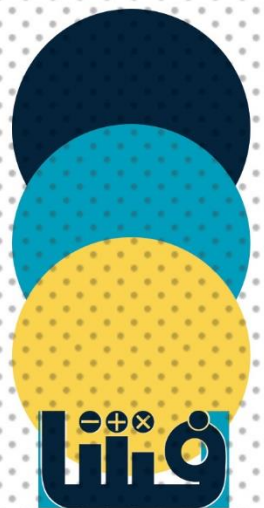
مسعود
شریعتی

رئیس
هیئت مدیره

«شرکت رهیار
محاسب
زرین»

موضوع:

قوانین
مالیاتی



در ابتدا تشکر می‌کنیم که زمانی را در اختیار نشریه افشا، قرار دادید. انشاءالله بتوانیم از تجربیات‌تان استفاده بهینه را ببریم. در آغاز، اگر حرف یا سخنی دارید بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم، متشکرم از حضور شما و وقتی که گذاشتید برای این مصاحبه و امیدوارم که بتوانیم در نتیجه صحبت‌ها و مصاحبه‌مان مطالب مفیدی را در اختیار مخاطبین نشریه افشا قرار بدهیم و انشاءالله مفید واقع بشود.

در خیلی از کشورهای پیشرفته، بخش اصلی درآمد دولت‌ها از طریق مالیات تأمین می‌شود اما در کشور ما، نوعی بی میلی عمیق، در خصوص پرداخت مالیات وجود دارد، علت آن چیست و برای اصلاح این طرز تفکر، چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟

در ایجاد رغبت و انگیزه اجتماعی برای پرداخت مالیات، دو عامل بسیار مهم هستند؛ یکی از این عوامل این است که مردم بتوانند با شفافیت و صداقت، مسیر خرج کرد و مصرف مالیات‌ها را در جامعه خود مشاهده کنند و این شفافیت، کاملاً واضح و ملموس بوده و رضایت اجتماعی را در بر داشته باشد، همچنین تخصیص منابعی که از محل درآمدهای مالیاتی شکل می‌گیرد، باید به نوعی در راستای منافع اجتماعی باشد و مورد نیاز و مورد قبول جامعه قرار بگیرد. دومین عامل، این است که مردم بتوانند عدالت مالیاتی را لمس و کاملاً

مشاهده کنند و نسبت به ارگان‌های ناظر از جمله، سازمان امور مالیاتی، احساس همراه بودن و حامی بودن را در فعالیت‌های اقتصادی، دریافت کنند. هنگامی که فعالین اقتصادی و افرادی که قرار است مالیات را پرداخت کنند، به نوعی روحیه سهم خواهی، قدرت‌نمایی و قدرت‌طلبی را در ارگان‌ها ببینند، (البته قطعاً از لحاظ قانونی اینطور نیستند که به دنبال سهم خواهی و قدرت‌خواهی باشند اما در رفتار و برخورد این سازمان‌ها ممکن است این گونه حس شود) قطعاً تأثیر روانی در جامعه خواهد گذاشت که ایجاد بی میلی می‌کند.

متأسفانه در جامعه ما، هر چه بیشتر پیش رفتیم، این دو عامل اصلی کم‌رنگ شد و از طرفی شفافیت بسیار پایین آمد و مردم نمی‌توانند از مصارفی که از محل درآمد مالیاتی‌شان برای دولت ایجاد می‌شود و اینکه آیا این درآمد به نحو صحیحی مصرف می‌شود یا خیر، درک درستی داشته باشند. از طرفی به کرات، مردم اخبار نامناسبی را در رابطه با اختلاس‌ها، هدر رفت سرمایه و منابع مالی توسط دولت، اسراف‌هایی که در حال وقوع هستند، تخصیص منابع گاهاً ناعادلانه و نادرست یا غیرضروری توسط دولت‌ها و از جمله این موارد می‌شنوند و چون شفافیتی هم وجود ندارد، از لحاظ اجتماعی بار منفی‌ای را ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، ارگان‌ها از جمله سازمان امور مالیاتی و سازمان تأمین اجتماعی نیز، آن روحیه رقابت را بیشتر

منعکس می‌کنند. همچنین متأسفانه ضعف‌ها و ایراداتی نسبت به رسیدگی‌ها و برخوردهایی که با فعالین اقتصادی اتفاق می‌افتد، وجود دارد که موجب ترس فعالین اقتصادی از این ارگان‌ها شده است و در عین حال با اینکه می‌توانند با شفافیت کار کنند و مالیات خود را هم پرداخت کنند، اما از ترس برخوردهای گاهاً ناعادلانه سازمان امور مالیاتی، تا حد امکان از ارائه اطلاعات و پرداخت مالیات چشم پوشی کرده و نسبت به آن مقاومت می‌کنند.

با توجه به اینکه امروزه موضوع فرارهای مالیاتی، نسبت به قبل کمتر به گوش مردم می‌رسد، می‌خواهیم بدانیم در سال‌های گذشته، افراد چگونه و از چه مفاد و قوانینی برای کم کردن مالیات‌ها، استفاده می‌کردند و امروزه چه اقداماتی برای جلوگیری از این فرارها صورت گرفته است؟

البته که در حال حاضر هم فرار مالیاتی شکل می‌گیرد اما در سال‌های گذشته مفاد ماده ۹۷ که همان قانون علی‌الرأس بود، به فعالین بزرگ اقتصادی کمک می‌کرد که با عدم همکاری با سازمان امور مالیاتی و انجام تکالیف بتوانند به میزان قابل توجهی فرار مالیاتی داشته باشند. از طرفی شفافیتی نسبت به اطلاعات بانکی و اطلاعات مراودات مالی فعالین اقتصادی وجود نداشت و به تبع، آن‌ها می‌توانستند به راحتی درآمدهای خود را کتمان کنند. و درواقع این امر کمک می‌کرد که

با عدم ارائه اطلاعات، سازمان امور مالیاتی را به استفاده از ماده ۹۷ مجاب کنند و مالیات کمتری بپردازند. اما در سال‌های اخیر که این قانون تغییر کرد و از ابتدای سال ۹۸ هم اصلاح آن اجباری شد و طرح جامع مالیاتی نیز، ارائه شد و از طرفی تمامی سامانه‌های ارگان‌های ناظر، به سمت یکپارچه شدن رفتند و ارائه اطلاعات توسط دستگاه‌های اجرایی مختلف از جمله بانک مرکزی و سایر بخش‌ها به سازمان امور مالیاتی، برای فعالین اقتصادی کمی دشوار شد که بخواهند اطلاعات خود را افشا نکنند و همچنین خود ماده ۱۶۹ و بحث صورت معاملات فصلی نیز، تأثیر بسیاری در جلوگیری از فرار مالیاتی گذاشته است. بنابراین امروزه فرار مالیاتی برای فعالین اقتصادی، به سادگی امکان پذیر نیست و انشاءالله می‌توانیم به سمت شکل گرفتن هرچه بیشتر عدالت اجتماعی، پیش برویم.

با توجه به اینکه موضوع کتمان درآمد، مطرح شد نظر شما در رابطه با مسئولیت تضامنی حسابداران در قبال کتمان درآمد چیست؟

اگر منظور شما مفاد ماده ۲۷۴ قانون مالیت‌های مستقیم است، باید گفت یکی از برخوردها و پیش‌بینی‌هایی است که قانون‌گذار به جهت جلوگیری از همین فرار مالیاتی و اجرای عدالت مالیاتی، از آن استفاده و آن را تنظیم کرده است و این یکی از راه‌هایی است که می‌تواند مفید واقع شود و از طرفی حسابداران هم

نبایستی به هیچ عنوان، در تصمیمات غلط مدیران و فعالین اقتصادی، نسبت به فرار مالیاتی، سهیم شوند و از نظر بنده این موضوع می‌تواند تأثیرگذار باشد.

علی‌رغم اینکه تقریباً در زبان مالیاتی موضوعی به نام معافیت مالیاتی مطرح نیست، چه تفاوتی بین معافیت مالیاتی، نرخ صفر و غیرمشمول وجود دارد؟

البته موضوع معافیت مالیاتی، امروزه نیز، مطرح است اما یکسری تفاوت‌های معنایی نسبت به نرخ صفر مالیاتی دارد. تمامی این معافیت‌ها به نوع فعالیت برمی‌گردد. در تعریف معافیت مالیاتی، فعالیت‌هایی وجود دارند که دائماً از پرداخت مالیات معاف هستند از جمله فعالیت‌های کشاورزی و دامداری که هم در گذشته و هم امروزه از پرداخت مالیات معاف‌اند. فعال اقتصادی از زمانی که شروع به فعالیت می‌کند تا مادامی که آن فعالیت را انجام دهد از پرداخت مالیات معاف است. منظور از معافیت مالیاتی، معافیت دائمی است اما در نرخ صفر مالیاتی، بحث مدت زمان مطرح است و قانون‌گذار، آن فعالیت را به طور دائم معاف نکرده است بلکه در راستای حمایت و یا جلوگیری از ورشکستگی‌ها و فشارهای اقتصادی که فعال اقتصادی متحمل می‌شود، بازه زمانی را مشخص می‌کند و در آن بازه زمانی، درآمد فعالیت مربوطه را با نرخ صفر مالیاتی محاسبه می‌کند و بعد از

آن بازه، فعالیت مجدد مشمول مالیات می‌شود و فعال اقتصادی باید مالیات خودش را بپردازد. به طور مثال، این قانون برای بیمارستان‌ها و یا مراکز گردشگری، به مدت ۵ سال اجرا می‌شود و با نرخ صفر، درآمد ابرازی‌شان شناسایی و بعد از آن مجدد درآمدشان وارد رسیدگی مالیاتی می‌شود و به آن مالیات تعلق می‌گیرد. لذا عمده تفاوت‌شان در همین است که نرخ صفر، معافیت موقت است اما در معافیت مالیاتی، بحث از معافیت دائمی است.

آن بخشی از درآمد که به هردلیلی مشمول مالیات نباشد، غیرمشمول نامیده می‌شود. حال یکی از این دلایل ممکن است نرخ صفر و یا مثال، مجموعه‌ای که حتی فعالیتش کشاورزی و دامداری باشد و از معافیت مالیاتی برخوردار باشد، ممکن است درعین حال، فعالیت بازرگانی نیز، انجام دهد. اینجا درآمد کاملش نشأت گرفته از فعالیت کشاورزی و فعالیت بازرگانی است لذا آن بخش از درآمد مجموعه که مربوط به فعالیت بازرگانی می‌باشد، مشمول مالیات است و آن بخش که مربوط به فعالیت کشاورزی می‌باشد، معاف از مالیات یا غیرمشمول است. همچنین در بحث مالیات تکلیفی، از جمله حقوق و دستمزد، باید اشاره کرد که در مبحث مالیات حقوق، ممکن است بخش‌هایی از حقوق غیرمشمول مالیات باشد، از جمله



از اینکه مؤدی مالیاتی نسبت به ارائه این اسناد و مدارک اقدام کند، پس از رسیدگی به آن، سازمان امور مالیاتی برگ تشخیص خود را ارائه می‌کند و تشخیص خود را به همراه مبانی آن، در اختیار مؤدی قرار می‌دهد، بعد از آن در صورتی که مؤدی نسبت به تشخیص، اعتراض داشته باشد، آن را اعلام می‌کنند و در راستای ماده ۲۳۸ قانون مالیات مستقیم تا یک ماه فرصت دارند که گروه رسیدگی و رؤسای امور مالیاتی، خودشان به این موضوع ورود کنند و پس از بررسی، در صورت به جا و درست بودن دفاعیات مؤدی، نسبت

● روند رسیدگی به اعتراضات و پرونده‌های مالیاتی، عموماً به چه نحوی صورت می‌گیرد و اشخاص یا شرکتهایی که اعتراضاتی در رابطه با دارایی دارند، برای به نتیجه رساندن اعتراضات خود، اصولاً چه قواعدی را باید رعایت کنند؟

روند رسیدگی، نحوه مشخصی دارد که اشخاص حقیقی یا حقوقی، در پایان سال مالی باید اقدام به ارائه اظهارنامه کنند و بعد از پایان مدت ارائه اظهارنامه، سازمان امور مالیاتی به مدت یک سال فرصت دارد که رسیدگی کند و درخواست ارائه اسناد و مدارک به مؤدی مالیاتی کند و بعد

حق ماموریت، و درعین حال سایر بخش‌های حقوق آن کارمندان می‌تواند مشمول مالیات باشد.

+ یعنی کسانی که معاف مالیاتی هستند هم باید اظهارنامه رد کنند؟

بله این نکته رو باید حتماً به مخاطبین عرض کنیم که تمامی معافیت‌های مالیاتی به شرط انجام تکالیف مالیاتی است و در صورتی که افراد، به تکالیف مالیاتی خود، عمل نکنند، معافیت‌شان لغو خواهد شد، حتی اگر نرخ صفر باشند.

کامل بودن رسیدگی‌ها و درست بودن فرایند ابلاغات و ظواهر امر توجه می‌کنند.

با توجه به شرایطی که به علت کرونا به وجود آمده است، و بخشنامه‌هایی که دارایی، در خصوص تاریخ‌های مالیاتی ارائه کرد و همه آن‌ها را ۲ ماه به تعویق انداخت، تکلیف صورت‌های مالی حسابرسی شده ۹۸ چه می‌شود؟ آیا برای صورت‌های مالی که منتهی به ۷/۳۰ بودند، تمدیدی در نظر نگرفتند؟

طبق بخشنامه ۲۰۰۹۹۲۴ همانطور که مهلت ارائه اظهارنامه به صورت ۲ ماه افزایش پیدا کرد، مهلت ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده موضوع ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم نیز، با توجه به تمدید مهلت تسلیم اظهارنامه مربوطه، تمدید شده است و خب بایستی همراه با اظهارنامه مالیاتی یا حداکثر ظرف ۳ ماه پس از مهلت انقضای اظهارنامه ارائه شود.

در خصوص روش‌های رفع تعهد ارزی توضیح بدید.

عمدتاً ۴ روش داریم. روش اول، واردات در مقابل صادرات خود و یا اشخاص ثالث است. روش دوم، پرداخت جهت تسهیلات ارزی اعم از فاینانس، ریفاینانس و یوزانس است که مؤدی می‌تواند از آن استفاده کند. روش سوم، فروش ارز به بانک‌ها و صرافی‌های مجاز است. روش چهارم هم سپرده گذاری نزد

سپس هیئت تجدید نظر تشکیل خواهد شد و پس از آن نیز، مهلت‌هایی وجود دارد، از جمله دیوان عدالت اداری. بعد از رسیدگی توسط هیئت تجدید نظر، اگر رأی قطعی شود، پرداخت مالیات باید صورت بگیرد اما همچنان امکان مراجعه به دیوان عدالت اداری، به جهت دادرسی و دادخواهی، وجود دارد. همچنین در صورت عدم دریافت نتیجه از دیوان عدالت اداری، اشخاص می‌توانند از هیئت موضوع ماده ۲۵۱ مکرر استفاده کنند. در این مابین بخش‌های دیگری نیز، وجود دارند از جمله شورای عالی مالیاتی و هیئت ماده ۲۱۶ که البته آن‌ها به ماهیت پرونده ورود نمی‌کنند بلکه بیشتر به رعایت تشریفات و کامل

به تشخیص، اعتراض داشته باشد، آن را اعلام می‌کند و در راستای ماده ۲۳۸ قانون مالیات مستقیم تا یک ماه فرصت دارند که گروه رسیدگی و رؤسای امور مالیاتی، خودشان به این موضوع ورود کنند و پس از بررسی، در صورت به جا و درست بودن دفاعیات مؤدی، نسبت به اصلاح برگ تشخیص و یا رفع تعرض آن، اقدام کنند. در غیر این صورت موضوع و پرونده وارد هیئت بدوی حل اختلاف می‌شود و مجدداً به اظهارات و دفاعیات مؤدی رسیدگی می‌شود. اگر بعد از بعد صادر شدن رأی هیئت بدوی، همچنان مؤدی به آن رأی اعتراض داشته باشد و آن را عادلانه نداند، مهلت اعتراض دارد که به تجدید نظر مراجعه کند، سپس



بانک‌ها است. در همین راستا در بخشنامه بانک مرکزی تکالیفی برای گمرک‌ها، صادرکنندگان و تمامی دستگاه‌های اجرایی تعیین شده است که با ملاحظات آن‌ها، افراد می‌توانند در صورت رعایت آن تکالیف، از معافیت ۱۰۰ درصدی صادرات هم استفاده کنند.

باتوجه به اینکه عمده مخاطبان نشریه ما دانشجویان حسابداری هستند که می‌خواهند وارد بازار کار بشوند و یا بعضاً به تازگی وارد شده‌اند و تجربه اندکی دارند، با توجه به تجربه‌تان در خصوص پرونده‌های مالیاتی، چه توصیه‌هایی برای آن‌ها دارید؟

توصیه جدی بنده این است که در کنار مطالعه قوانین مالیاتی که بسیار هم ضروری است، از کارآموزی در شرکت‌های حسابداری که با مجموعه‌های متعدد و مختلفی همکاری می‌کنند، غافل نشوند و تا حد امکان زحمات فیزیکی و رفت و آمدی و مراودات با سازمان امور مالیات را بر عهده بگیرند و از همه مهم‌تر اینکه صبور باشند و در راستای مسیر حرفه‌ای‌شان باتوجه به اینکه برای کسب تجربه، نیاز به زمان است، در فرایندهای حرفه حسابداری و مالیاتی صبر داشته باشد تا بتوانند در این زمینه، تجاربشان را کامل کنند.

به عنوان آخرین مطلب، اگر سخنی دارید بفرمائید.

در جهت تکمیل صحبت‌ها، لازم به ذکر است که در عین حال که قانون‌گذاران، مسئولین و رؤسای سازمان امور مالیاتی، تمام تلاش خود را در جهت تحقق هرچه بیشتر عدالت مالیاتی انجام می‌دهند و به کار می‌برند، لکن ضعف‌ها و ایرادات بسیاری در قوانین و ساختار و نحوه رسیدگی به پرونده‌های مالیاتی مؤدیان به چشم می‌خورد که گاهاً ضربه‌های سنگینی را به فعالین و واحدهای اقتصادی وارد کرده است، به نحوی که اگر شما با هرواحد اقتصادی یا فعال اقتصادی صحبت کنید، عمده آن‌ها این مسئله را مطرح می‌کنند که بیشترین فشارها، آسیب‌ها و ضربه‌ها را از ناحیه ارگان‌های ناظر از جمله امور مالیاتی متحمل می‌شوند. لذا باید سریعاً نسبت به رفع این ضعف‌ها و ایرادات قانونی و ساختاری اقدام کرد. همچنین ابهاماتی که در برخی از قوانین جود دارد، باعث می‌شود تفسیرهای رسیدگی‌کنندگان به پرونده‌های مالیاتی، متفاوت باشد و همچنین باید حتماً کارگروه‌هایی در راستای کمک به قانونگذار و مسئولین، وارد عمل بشوند و این ضعف‌ها را به جهت اصلاح، در اسرع وقت به قانونگذار و مسئولین اعلام کنند. «شرکت رهیار محاسب زرین» نیز، سعی خود را در همین راستا انجام داده است و به امید خدا طی هفته‌های آتی، نسبت به تشکیل این کارگروه در راستای فرمان

آتش به اختیار مقام معظم رهبری حتما اقدام خواهد کرد هرچندکه تا کنون هم نسبت به این موضوع بی‌تفاوت نبوده است و نسبت به برخی از موارد، از جمله تبصره ماده ۴ قانون ارزش افزوده و بخشنامه‌های مربوط به رسیدگی به تجدید ارزیابی ورود کردیم و با دفتر فنی و مدیریت ریسک مالیاتی، مراوداتی داشتیم که در برخی پرونده‌ها هم منجر به نتایج خیلی خوبی شده است و باعث حتی رفع تعرض از آرای صادره برای مؤدیان مالیاتی شده است و امیدواریم که بتوانیم با تشکیل این کارگروه و استفاده از حداکثر ظرفیت افراد مجرب و کارشناس و متخصص در حوزه قوانین ناظر از جمله قانون مالیاتهای مستقیم، ارزش افزوده، قانون تأمین اجتماعی و قانون کار، تا حد امکان آن ضعف‌ها و خلأهای قانونی را جهت اصلاح به اطلاع قانونگذار و مسئولین برسانیم تا به امید خدا مشکلات فعالین اقتصادی‌مان در این حوزه مرتفع گردد و شاهد توسعه و رونق هرچه بیشتر اقتصادی، در کشورمان باشیم.



وقتی بورس تهران روی بورس می‌آید

نویسنده: مهدی رستگارمقدم

دانشجوی کارشناسی حسابداری ۹۸



بورس داخل یا خارج؟

اولین و ابتدایی‌ترین تفاوتی که به چشم می‌آید، اهمیت وجود زبان فارسی در فضایی است که قصد داریم، فعالیت کنیم. البته شاید برای افرادی که کاملاً مسلط به زبان انگلیسی هستند، امتیاز منفی نباشد اما به هر حال وجود زبان فارسی از نبود آن بهتر است.

دومین تفاوت، در مدت سهامداری است. عموماً تریدرهایی که به دنبال سودهای کوتاه مدت و نوسان گیری هستند، بورس بین‌الملل یا فارکس را انتخاب می‌کنند که بدون شک تخصص بیشتر و قدرت ریسک بیشتری را می‌طلبد. اما افرادی که سهامداری و نگاه بلند مدت دارند، بورس ایران را بیشتر انتخاب می‌کنند.

سومین تفاوتی که وجود دارد، وجود اهرم معاملاتی است که برخی کارگزاری‌های بورس جهانی و فارکس در اختیارشان می‌گذارند. به این معنی که شما با اعتباری

که در حال مطالعه نشریه اقتصادی هستید نشان دهنده علاقه‌ی شما به این زمینه است!

شایان ذکر است که برای ورود جدی سرمایه‌تان به بورس، حتماً و حتماً از دانش و مهارت کافی برخوردار باشید تا به خودتان ضرر نرسانید. یک معامله اشتباه می‌تواند ضرر جبران ناپذیری وارد کند. پس تا زمانی که به درک صحیحی از بازار نرسیدید، ریسک نکنید. از بین بازارهای سرمایه، یکی از جذاب‌ترین بازارها، بورس کشور خودمان است. در ادامه به تفاوت‌های بورس ایران و بورس بین‌الملل اشاره خواهیم کرد.

همه ما عمدتاً بدنبال آن هستیم که پول خود را در بخشی سرمایه‌گذاری کنیم که سود بیشتری نصیب‌مان شود. از همین جهت اگر از متخصصان عرصه اقتصاد این موضوع را جویا شویم، سرمایه‌گذاری در بازارهای بورس اوراق بهادار را پیشنهاد می‌کنند. علم آمار نیز این موضوع را تصدیق می‌کند که سرمایه‌گذاری در بورس، بازدهی بیشتری نسبت به موازی (طلا، مسکن، ارز) داشته است. از دلایل جذابیت بورس نسبت به گزینه‌های دیگر می‌توان به نقدشوندگی بالا، سود مرکب، عقب بودن بازار سرمایه از بازارهای دیگر در سال‌های گذشته و نگرانی کمتر سرمایه‌برای حفظ آن اشاره کرد. به این معنی که نگهداری طلا یا دلار در خانه ریسک بیشتری نسبت به داشتن تعدادی سهم در پورتنفوی شخصی‌تان دارد. همچنین در بورس ایران قوانینی مانند حجم مبنای وجود دامنه نوسان برای سهام‌ها ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش داده است.

از این رو توصیه می‌شود که اگر کمی هوش اقتصادی و سرمایه‌پس‌انداز شده دارید و اهل حساب و کتاب و مطالعه هستید و به کنترل هیجانات خود مسلط هستید به این مقوله ورود کنید. البته همین موضوع



فرضی، بیشتر از سرمایه ورودی تان به بازار، فعالیت کنید. برای مثال در اهرم ۱۰۰:۱ شما اگر ۱۰۰ دلار پول وارد کنید، اعتبار ۱۰۰ هزار دلاری برای خرید خواهید داشت. و در این صورت سود یا زیانی بیشتر را تجربه خواهید کرد. تا به امروز کارگزاری‌های بورس ایران به این شکل خدماتی ارائه نداده‌اند.

چهارمین و مهم‌ترین مسئله، بحث اعتماد است. اعتماد به بنیادی بودن و ثبات اقتصادی سهام کارخانه‌هایی که در بورس جهانی فعالیت می‌کنند یا اعتماد به در دسترس بودن و قانونمند بودن بورس داخل.

اگر ریسک مورد اول را به جان بخریم، باید نگران کارگزاری‌های واسطه در بازار جهانی باشیم. چون در هر صورت هیچ نمایندگی رسمی یا شعبه‌ای در داخل کشور نمی‌توان یافت. ضمن اینکه محدودیت‌های اعمال شده، برای ایرانیان کار را دشوارتر می‌کند.

همچنین اگر مسئولین محترم، ایده داخلی کردن اینترنت و قطع ارتباط با شبکه جهانی به سرشان بزند، تقریباً امکان دسترسی به پورتفویتان را از دست خواهید داد. ریسک اعتماد به بورس داخل، این سوال را در پی خواهد داشت که آیا افزایش قیمت سهام واقعاً با افزایش سوددهی و بنیاد آن شرکت همبستگی دارد و واقعاً شرکت‌ها رو به پیشرفت و توسعه‌اند؟ پاسخ این سوال تقریباً خیر است.

کافی‌است به ارزش بازار ایران خودرو و کمپانی رنو فرانسه نگاهی بیندازیم. به گزارش دنیای اقتصاد، بررسی‌ها نشان می‌دهد ارزش بازار ایران خودرو از رنو سبقت گرفته و از ۸ میلیارد دلار فراتر رفته است و در میان ۱۵ خودروساز بزرگ جهان قرار گرفته است. در حالی که ایران خودرو، زیان عملیاتی ۷/۶ میلیارد تومان را تجربه می‌کند.

بررسی علت رشد یا افت بورس تهران

برخی علت رشد بورس را، قطع رابطه اقتصادی با دنیا می‌دانند و استدلال‌شان این است که چون کشور ما در تحریم تجاری و مالی به سر می‌برد، رکود جهانی تأثیری بر اقتصاد ایران نداشته است. اما علت اصلی رشد قابل توجه بورس، نه افزایش ظرفیت اقتصادی و نه شکوفایی و استقلال و خودکفایی است بلکه علت اصلی آن، افزایش تقاضا است که ورود نقدینگی افراد حقیقی به بورس، این اتفاق را رقم زده است. در واقع مردم در حال خارج کردن پول از منابع دیگرشان بودند و همین جو ایجاد شده برای یک رشد شارپی و ناگهانی کافی است. از آنجایی که رشد یا افت بورس را میلیون‌ها انسان، پیش‌بینی ناپذیر رقم می‌زنند، رخدادهای تصادفی اجتناب ناپذیر می‌شود. تصمیماتی که بیشتر از دلایل عقلانی و منطقی تابع احساسات و هیجانات هستند. یکی از معایب

هجوم جمعیت به بورس، ورود افرادی است که آموزش لازم برای خرید و معامله‌گری را ندیده‌اند و با اقدامات شان به خود و دیگر سهامداران ضرر می‌رسانند. البته که به غیر از اقدامات و تصمیمات سهامداران، عوامل دیگری نیز مثل حمایت دولت‌ها و تورم بر بازار تأثیرگذار است. برای مثال تورم محور بودن، خاصیت بورس ایران است و افزایش قیمت ارز و تورم و در نتیجه افزایش قیمت کالا در افزایش قیمت سهام یک شرکت صنعتی بی تأثیر نیست.

بررسی وضعیت بازار

در شرایطی که اقتصاد جهانی با معضل کرونا دست و پنجه نرم می‌کرد، شاخص کل از ابتدای سال ۹۹ روند صعودی و رو به رشد به خود گرفته است و هر روز شاهد رکوردهای جدیدی از اخبار و سازمان بورس بوده ایم. در چند مقطع زمانی، شاخص اصلاح موقتی داشت اما همچنان به رشد خود ادامه داد. در صورتی که بازار سرمایه در کشورهای دیگر به شدت افت کرد. همین موضوع باعث شد تا این رشد بی سابقه، توجه همه را به خود جلب کند. در نهایت این رشد شارپی و سریع در اواسط تیرماه با مقاومت رو به رو شد و قیمت سهام‌ها به مقدار قابل توجهی افت کرد.



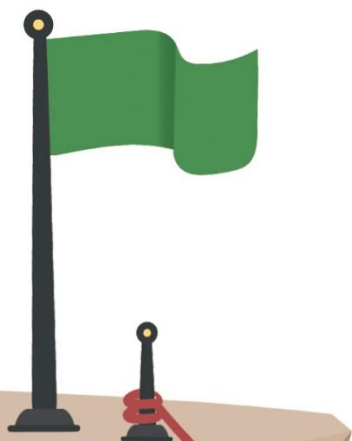
استراتژی ورود و خروج

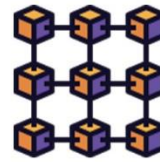
حال این موضوع که چه زمانی از بورس خارج شویم و برای همیشه با سهام هایمان خداحافظی کنیم، تبدیل به سؤال و دغدغه اصلی سهامداران می‌شود. امروزه بیشتر سهامداران نگران سقوط بازار اند. زیرا فروش سهام در روزهایی که تقاضایی وجود ندارد به راحتی امکان‌پذیر نیست. پیش‌بینی این

موضوع که این رشد و سوددهی به کجا ختم می‌شود، تقریباً دشوار است و بیشتر کارشناسان و اقتصاددانان بر این عقیده‌اند که روند صعودی بورس قطعی است ولی اصلاح و استراحت سهم جزو ذات بازار است.

در واقع هنر اصلی هر سهامدار، تشخیص فرصت ورود سهم و به تبع آن خارج شدن از سهم است و تقسیم‌بندی سهم‌ها به سهم خوب و بد، اقدام صحیحی نیست. چرا که همه سهم‌ها در مقاطعی رشدهای خوبی داشتند و پس از آن اصلاح را تجربه کردند. در واقع سهامداران حرفه‌ای، سهم را در نقطه حمایت شناسایی می‌کنند و آن را پس از اصلاح و استراحت سهم خریداری می‌کنند و بستگی به پتانسیل سهم، به سه صورت کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت نگهداری می‌کنند. سهامدار هرچه نگاه بلند مدت‌تری داشته باشد، ریسک کمتر و راه هموارتری را

تجربه می‌کند. علاوه بر آن، نگاه بلند مدت و صبوری، سودهای مرکب بزرگ‌تری را خواهد داشت. قطعاً کسانی که بورس را دوی مارا تن می‌دانند از سهامداران عجول و احساساتی موفق‌تر اند.





انقلاب نوین



نویسنده: فاطمه ولی زاده

دانشجوی کارشناسی حسابداری ۹۷

کسب و کارها را در مقابله با این چالش‌ها یاری می‌کنند. در انجام یک تجارت جهانی، به غیر از خریدار و فروشنده، اعضای دیگری نیز وجود دارد که عبارتند از: مقامات گمرکی و رگولاتوری در کشور مبدأ و مقصد، مؤسسات مالی، شرکت‌های ترابری، کارگزاران و بیمه‌گران. داده‌های دسته اول و دوم، به دفعات، در بین این اعضا مبادله می‌شوند. با پیاده‌سازی بلاک‌چین در این روال کاری، می‌توان صورت حساب‌ها، رسیدهای بارگیری کالا و مجوزهای گمرکی را به شکلی امن، رکورد کرد.

ثبت رکوردها در بلاک‌چین، این امکان را برای اعضا ایجاد می‌کند که در سراسر زنجیره تامین، اسناد و مدارک را مورد ردیابی قرار دهند؛ تاریخ امضای موافقت نامه تجاری، درخواست‌های انجام شده برای تایید ملیت کالا، چند و چون انطباق با قوانین کنترلی گمرکی و تحریم‌ها و هویت مصرف کننده نهایی کالا، جزء داده‌هایی هستند که در شبکه بلاک‌چین ثبت می‌شوند. علاوه بر ردیابی معاملات و تأیید اطلاعات، بلاک‌چین می‌تواند منطق تجارت را از طریق استفاده از قراردادهای هوشمند در یک معامله قرار دهد.

• **امنیت**- با وارد کردن اطلاعات، دفترچه دیجیتال قابل تغییر یا دستکاری نیست. تقلب کمتر احتمال دارد و ردیابی آسان‌تر است. وجود قابلیت پیگیری و ردیابی در زنجیره تامین، این اطمینان خاطر را در دل اعضا ایجاد می‌کند که هیچ یک از آن‌ها، عمداً یا سهواً، تحریم‌ها را نقض نکرده و با شرکت‌های حاضر در لیست سیاه، وارد معامله نشده‌اند.

• **اطلاعات در زمان واقعی**- وقتی اطلاعات به روز می‌شود، برای همه افراد در شبکه به طور همزمان به روز می‌شوند.

شفافیت و کنترل

شرکت‌های تجاری جهانی باید شفافیت و ایمنی بالایی را در زنجیره تامین (شبکه‌ای از فرایندها، به طوری که هدف نهایی آن‌ها تأمین کالاها و خدمات مشتریان بوده و دربرگیرنده‌ی تأمین‌کنندگان، تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان، عمده‌فروشان و خرده‌فروشان است که با هم به طور هماهنگ و منسجم در جهت راضی کردن مشتریان، همکاری می‌کنند) اعمال کنند و سیستم‌های تجاری انطباقی، باید به گونه‌ای طراحی شوند که از عهده تبادل الکترونیکی داده‌ها برآیند. روش‌های فناورانه‌ای مانند بلاک‌چین،

درماه‌های اخیر، رسانه‌ها به صورت فزاینده‌ای در مورد بلاک‌چین و اهمیت آن سخن گفته‌اند، اما نکته اینجاست که در اغلب این بحث‌های رسانه‌ای، فقط به جنبه ارزهای رمزنگاری شده این تکنولوژی پرداخته شده است. بسیاری از کسب و کارها هنوز از پتانسیل بالقوه بلاک‌چین، در کارآمدسازی فرایندها و توسعه خدمات جدید آگاهی ندارند. هرچه بر اطلاعات مردم در مورد بلاک‌چین افزوده شود، موارد کاربردی جدیدی برای آن تعریف خواهد شد. به طور خلاصه بلاک‌چین شفافیت ایجاد می‌کند، نیاز به واسطه‌ها را حذف می‌کند، از لحاظ امنیتی و قابلیت اعتماد، سطح بالایی دارد و هزینه‌های عملیاتی را نیز کاهش می‌دهد؛ از این رو، بلاک‌چین را یک تکنولوژی ساختارشکن می‌دانند.

به طور کلی ویژگی‌های اصلی بلاک‌چین بدان معنی است که پتانسیل قابل توجهی برای استفاده در مالیات دارد:

• **شفافیت**- بلاک‌چین اصالت، ردیابی و شفافیت معاملات را فراهم می‌کند.

• **کنترل**- دسترسی به شبکه‌های مجاز به کاربران شناسایی شده محدود شده است.

با این وجود که بلاک چین ضد تحریف است، اما نمی‌تواند اطلاعات دروغین را که در ابتدا وارد بلاک چین می‌شود متوقف کند. اما همه تأیید می‌کنند که هیچ سیستمی نمی‌تواند به طور کامل از رفتارهای کلاهبرداری جلوگیری کند. با این حال بلاک چین کشف تقلب و خطاها را به مراتب آسان‌تر کرده است زیرا سیستم شفافیت و درستی اطلاعات در مورد معاملات و موارد موجود در شبکه را فراهم کرده است. این امر می‌تواند برای ردیابی در جایی که مالیات بر ارزش افزوده پرداخت می‌شود، بسیار مفید باشد و از این طریق کلاهبرداری مالیات بر ارزش افزوده را کاهش دهد.

رای مبادله ارزش به صورت دیجیتالی، مانند ارز یا کار، به اشخاص ثالث برای ایجاد اعتماد نیاز است. بلاک چین با تهیه یک دفترچه راهنمای امن و توزیع شده از معاملات در یک شبکه، این نیاز به یک شخص ثالث را برطرف می‌کند.

چگونه بلاک چین می‌تواند به سازمان‌ها در جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز کمک کند؟

یک چالش مداوم برای عملکردهای مالیاتی، دسترسی به طیف کاملی از اطلاعات مربوط به تجارت خود است که می‌تواند مربوط به مالیات باشد. اکنون سازمان‌ها توانایی جمع‌آوری مقادیر عظیمی از داده‌ها را دارند اما در مورد موضوعات و تصمیماتی که پیامدهای مالیاتی دارند نیاز به زمان بسیاری برای رسیدن به نتیجه است.

بلاک چین می‌تواند به رفع این مشکل کمک کند، زیرا این امکان را می‌دهد تا اطلاعات را از جوانب گوناگون بررسی کنید. این اطلاعات قابل اعتماد هستند چون توسط افرادی که از آن استفاده کرده‌اند، تأیید شده است. نتیجه آن افزایش اطمینان و جزئیات، اطلاعات مفیدتر، دید بیشتر است. همچنین بلاک چین معاملات را مناسب می‌کند. با این حساب، متخصصان امور مالیاتی احساس کردند که بلاک چین می‌تواند برای مالیات معاملات استفاده شود، مانند مالیات بر ارزش افزوده، مالیات خودداری عوارض تمپر و مالیات‌های حق بیمه.

ظهور اقتصاد اشتراکی (شامل اشتراک در تولید، توزیع، تجارت و مصرف محصولات و خدمات مختلف توسط مردم و یا سازمان‌ها می‌شود. اقتصاد اشتراکی می‌تواند شکل‌های متفاوتی داشته باشد، از جمله استفاده از فناوری اطلاعات برای تأمین اطلاعات برای اشخاص، شرکت‌ها، مؤسسات غیرانتفاعی و دولت که بهینه‌سازی منابع از طریق توزیع مجدد را امکان‌پذیر می‌کند و یا به اشتراک‌گذاری و استفاده مجدد از ظرفیت مازاد کالا و خدمات)، تجارت دیجیتال و مدل‌های جدید کسب و کار باعث شده است تا بسیاری از مردم دوباره در مورد سیستم مالیاتی فکر کنند.

آیا هنوز هم برای مقامات مالیاتی منطقی است که مالیات را به روشی که همیشه در گذشته انجام می‌دادند، جمع‌آوری کنند؟

آیا در یک جهان مبتنی بر معامله، سیستم مالیاتی باید مطابق قانون عمل کند؟ اما ارزش در کجا ایجاد شده است و چگونه باید از آن مالیات گرفت؟

بلاک چین می‌تواند شیوه جمع‌آوری مالیات را تغییر دهد، مسئولیت جمع‌آوری فروش یا مالیات بر درآمد می‌تواند به طور قابل تصور، کاملاً از مقامات مالیاتی به شرکت‌کنندگان در اقتصاد اشتراکی تغییر یابد.



با توجه به لایحه بودجه سال ۹۹، بیشترین درآمد دولت در سال آینده، از درآمدهای مالیاتی خواهد بود. اگرچه سیستم‌های مالیاتی از یک کشور به کشور دیگر متفاوت هستند، اما رویکردهای سنتی برای جمع‌آوری مالیات دارای نقص‌هایی است. فرار مالیاتی و کلاهبرداری نیز تقریباً در همه دولت‌ها شایع است. افراد و مشاغل می‌توانند از پیچیدگی‌های مالیاتی، برای اجتناب و فرار مالیاتی استفاده کنند.

حتی نفوذ به این سیستم متمرکز می‌تواند به مجرمان امکان سرقت هویت افراد و سواستفاده را بدهد. فناوری بلاک‌چین به دلیل غیرمتمرکز بودن، بدون واسطه بودن، شفافیت و امنیت، تأثیر زیادی در نحوه ثبت مالیات بخصوص مالیات بر ارزش افزوده داشته است و به مبارزه با کلاهبرداری مالیاتی کمک خواهد کرد. این فناوری می‌تواند ساختار مالیاتی را به شدت تغییر دهد.

این قابلیت به واسطه اجرای قراردادهای هوشمندی است که می‌توانند فرآیند پرداخت، انتقال و ضبط دارایی را به صورت خودکار انجام دهند و محاسبات مربوط به مالیات کارآمدتر و با هزینه و زمان کمتری انجام شود. علاوه بر این بلاک‌چین می‌تواند زمینه را برای سطوح پیشرفته‌تر شفافیت، امنیت و گزارش‌دهی فراهم کند. نحوه، مکان، زمان و نوع مالیاتی که باید اعمال شود اغلب به تصمیمات پیچیده‌ای

بستگی دارد که باید برای هر معامله به درستی اعمال شوند. تحقق درآمدهای مالیاتی دولت، بستگی به گزارش صادقانه و دقیق اطلاعات دارد. مواردی مانند فقدان اطلاعات، خطاهای مالیات‌دهندگان، سهل‌انگاری و مسامحه‌کاری موذیان مالیاتی یا حسابداران، در کنار فعالیت‌های متقلبانه برای فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی، می‌توانند آثار سوئی در تحقق درآمدهای مالیاتی داشته باشند.

بلاک‌چین در ارتباط با برنامه‌های جدیدی مانند هوش مصنوعی، اتوماسیون فرآیند رباتیک، یادگیری ماشین و اینترنت اشیا می‌تواند در وصول مالیات‌های غیرمستقیم تأثیر زیادی داشته باشد. دولت می‌تواند بلاک‌چین را برای انتقال داده‌های مالیاتی و پرداخت‌ها، ایجاد کنند. از آنجا که معاملات در بلاک‌چین سابقه‌ای فوری و با قابلیت ردیابی دارند، زمان کار کارگزاران مالیاتی به شدت کاهش می‌یابد. به جای ثبت و بررسی سوابق بانکی در ماه‌های سال، می‌توان از قراردادهای هوشمند (قراردادهای هوشمند، به شکل قطعه‌کدهایی هستند و زمانی که پیش شرط مربوطه تحقق می‌یابد، تراکنش را اجرا می‌کنند؛ برای مثال اگر اول ماه فرا رسیده است، حق بیمه من پرداخت شود) برای پرداخت مالیات بر مبادله، به صورت خودکار استفاده کرد. این فرآیند باعث صرفه‌جویی در زمان و هزینه می‌شود. زیرا دولت نیازی به صرف منابع زیادی برای جمع‌آوری و سازماندهی مالیات‌ها ندارند.

همچنین تکمیل اظهارنامه مالیاتی نیز فرایندی طولانی و خسته‌کننده برای شهروندان نخواهد بود.

بلاک‌چین موارد استفاده بسیار زیادی دارد. تعدادی از این موارد کاربردی عبارتند از: توکنیزاسیون (به انگلیسی-**Tokeni zation** روندی است که در آن دارایی‌های مختلف به دارایی دیجیتال تبدیل می‌شوند) برای محافظت از داده‌های حساس، زمان مهر کردن برای تغییرناپذیری بلاک‌چین، فعالیت به عنوان یک کانال پرداخت که امکان انتقال دارایی‌ها را فراهم می‌کند و تسهیل فرآیند قراردادهای هوشمند.

بلاک‌چین چه مشکلات و محدودیت‌هایی دارد؟

۱- اصطلاحات تخصصی: فناوری بلاک‌چین به دلیل نوظهوری، دارای مجموعه واژگانی کاملاً جدید است. خوشبختانه در طول این چند سال تلاش‌های متعددی در زمینه ارائه واژنامه‌ها، تعاریف و فهرست‌های کامل و آسان انجام شده است.

۲- گستردگی شبکه: باید شبکه‌ای بزرگ از کاربران وجود داشته باشد که بلاک‌چین‌ها به سود کامل برسند. و همچنان بر سر این که آیا این گستردگی ایراد مهمی برای برخی از پروژه‌های مجاز بلاک‌چین‌ها است یا خیر، بحث وجود دارد.

۳- هزینه تراکنش‌ها، سرعت شبکه: تبدلات بیت‌کوین که در چند سال اول حضورش تقریباً رایگان اعلام شد، اکنون هزینه‌های قابل توجهی دارد.

۴- نقص امنیتی غیرقابل اجتناب: در بیت‌کوین و سایر بلاک‌چین‌ها یک نقص امنیتی قابل توجه وجود دارد: اگر بیش از نیمی از رایانه‌هایی که به عنوان گره در شبکه فعالیت می‌کنند دروغ بگویند (دقت داشته باشید بیش از نیمی از رایانه‌ها)، دروغ به حقیقت تبدیل می‌شود. این نقص "حمله ۵۱ درصد" نامیده می‌شود و ساتوشی ناکاموتو در زمان راه اندازی بیت‌کوین به آن اشاره کرد. به همین دلیل استخرهای استخراج بیت‌کوین توسط جمع به دقت مورد نظارت قرار می‌گیرد تا اطمینان حاصل شود که هیچکس ناآگاهانه چنین نفوذی را در شبکه فراهم نمی‌آورد.

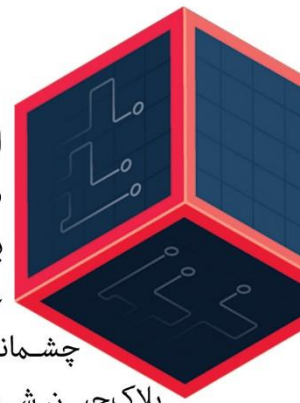
ساختار شکنی

زمانی که شک و تردید در مورد بلاک‌چین وجود داشت، بسیاری از افراد دریافتند که دیجیتالی شدن مالیات اجتناب ناپذیر است. جامعه خواستار شخصی‌سازی است و در آینده تقاضا برای رویکرد شخصی‌تر به مالیات وجود خواهد داشت. جوان‌ترین نسل، نسلی که هرگز از یک دفتر چک استفاده نکرده است، همچنین شرکت‌های کوچک‌تری که با سیستم‌های میراث‌گران قیمت به عقب نگاه نمی‌کنند. راه را هدایت می‌کند.

احتمالاً بلاک‌چین برای مقامات مالیاتی و تنظیم‌کننده‌ها دارای ارزش است زیرا اطلاعات دقیقی را ارائه می‌دهد که می‌تواند به اشتراک گذاشته شود و ممکن است امکان جمع‌آوری و نظارت زودتر از مالیات‌های مربوط به معاملات را فراهم کند.

بعید است وقتی مشاغل در مورد بلاک‌چین فکر می‌کنند، اولویت اصلی مالیات باشد. تمرکز روی پتانسیل بلاک‌چین برای کاهش هزینه‌های معاملات است، اما اگر منجر به عملکرد مالیاتی ساده‌تر، کارآمدتر و مؤثرتر شود، این یک امتیاز قابل توجه خواهد بود. طبق نظرسنجی دیلویت، اکثریت قریب به اتفاق شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی (که شامل ۷۴ درصد از کل پاسخ‌دهندگان می‌شوند) اذعان کرده‌اند که سازمان آن‌ها، با مواردی اجباری برای استفاده از فناوری بلاک‌چین رو به رو است و این در حالی است که تنها ۳۴ درصد از این مدیران، نسبت به پیاده‌سازی و نوآوری در حوزه بلاک‌چین در سطح کسب و کار خود اقدام کرده‌اند. مزایای مورد توجه این پاسخ‌دهندگان بیشتر شامل سرعت بالاتر بلاک‌چین (۳۲ درصد از شرکت‌کنندگان) و مدل‌های کسب و کار جدید و کارآمدتر در سایه آن (۲۸ درصد از شرکت‌کنندگان) بوده است که در مقایسه با مزیت هزینه‌های پایین‌تر (۱۶ درصد از شرکت‌کنندگان) رقم‌های به مراتب بالاتری را

نشان می‌دهند. به عبارت بهتر، بسیاری از این کسب و کارها، به دنبال بازدهی مالی و کاهش هزینه‌های عملیاتی در همان ابتدای پیاده‌سازی راهکارهای مبتنی بر بلاک‌چین خود نیستند و امیدوارند تا در سایه این پیاده‌سازی‌ها، به مرور زمان، تمامی زیرساخت‌ها و سیستم‌های منسوخ کنونی به طور کامل جایگزین شده است و سپس به بازدهی عملیاتی و اقتصادی دست یابند. شرکت‌هایی که به این حقیقت مهم ایمان آورده‌اند که بلاک‌چین، تنها یک ساختار شکنی ساده نیست و می‌تواند نوع جدیدی از تعاملات و تراکنش‌ها را وارد بازار جهانی کند، دقیقاً همان‌هایی هستند که می‌توانند ارائه دهنده تئوری باشند که دنیای تجارت را تغییر خواهد داد. با وجود اینکه سازمان‌های فعال در هر عرصه‌ای، در چنین برهه حساسی نمی‌توانند فناوری بلاک‌چین و پتانسیل‌های فوق‌العاده آن، برای ساختار شکنی و ایجاد تحول در تمامی راهکارها، فرایندها و زیرساخت‌هایی که سال‌ها یا حتی قرن‌ها است که دنبال می‌کنند را نادیده بگیرند، از طرفی هم نمی‌توانند صرفاً به خاطر چشم و هم‌چشمی (keep up with the Joneses) پای در این ورطه بگذارند، بدون اینکه دلیلی قانع‌کننده برای آن داشته باشند یا دست کم برای پذیرش این تغییرات و ساختار شکنی‌ها آمادگی لازم را داشته باشند. داشتن ترس از ساختار شکنی، اگر به اندازه منطقی و مطلوب آن باشد، خوب است؛ اما



اینکه چنین سازمان‌هایی، صرفاً به خاطر ترس از عقب ماندن، با چشمانی بسته وارد دنیای بلاک‌چین شوند و بدون اینکه برنامه‌ای مدون داشته باشند یا حتی هدف خود از استفاده از برخی راهکارهای موردی بلاک‌چین را مشخص کرده باشند، شروع به تغییر ساختارهای سازمانی خود بر اساس دفترکل توزیع شده کنند، دیوانگی محض است. هرچه در این جاده جلوتر می‌رویم، الهام بیشتری از آن می‌گیریم. با پیشینه‌ای که بلاک‌چین داشته و چهره‌ای که از آن برای همگان به تصویر کشیده شده، درک این حقیقت که فناوری بلاک‌چین قادر است تبادل اطلاعات درون صنایع و همچنین بین صنایع را به شکلی بسیار ساده‌تر، ایمن‌تر، شفاف‌تر و کارآمدتر ممکن سازد، کار دشواری نیست. ضمن اینکه امکان اتصال و ارتباط این فناوری با بسیاری از فناوریهای نوظهور و تاثیرگذار دیگر، علی‌الخصوص رایانش ابری و اتوماسیون، این قدرت را به بلاک‌چین داده است تا سازمان‌ها را در راستای ایجاد و تحقق ارزش در کسب و کارشان یاری کند؛ فناوری منحصر به فردی که در مقایسه با کلیه فناوری‌هایی که تاکنون با ما همراه بودند، فراتر از حد تصور ظاهر شده است.

بخش خدمات مالی، یکی از اولین حوزه‌هایی است که فناوری بلاک‌چین را کشف کرده است و

حقیقتاً پتانسیل زیادی نیز، برای تاثیرپذیری از این فناوری دارد. مقالات، نظرسنجی‌ها و گزارش‌های منتشر شده از سوی دیلویت، حاکی از یک جهش بزرگ بهره‌وری و صرفه‌جویی در خدمات مالی، در سایه فناوری بلاک‌چین و مزایای رقابتی فوق‌العاده آن هستند. در حقیقت، اپلیکیشن‌ها و مدل‌های جدیدی که در سایه فناوری بلاک‌چین در این حیطه طراحی و راه اندازی شده اند، جریان‌های درآمدزایی جدیدی را به سمت سازمان‌های پذیرنده فناوری روانه ساخته‌اند و این، آغاز سیطره بلاک‌چین بر صنعت خدمات مالی است.

تجربه نشان داده است که چیزهای زیادی وجود دارد که بلاک‌چین می‌تواند برای جهان مالیات انجام دهد. اما این یک انقلاب بسیار تدریجی خواهد بود مگر اینکه وقت و تلاش خود را برای آزمایش برنامه‌ها بکار گیریم. اگر افراد ریسک‌پذیر باشند، استفاده از بلاک‌چین و مالیات بسیار مناسب است.

برخی از کاربردهای بلاک‌چین در صنایع مختلف:

- بانکداری و پرداخت
- ذخیره‌سازی داده
- هویت دیجیتالی
- قراردادهای هوشمند
- ارزهای دیجیتال
- جمع‌آوری سرمایه
- مدیریت زنجیره تامین
- تولید و کنترل محصولات
- شبکه توزیع انرژی
- آموزش
- ژورنالیسم
- پزشکی
- نظرسنجی
- ثبت اسناد
- حسابداری
- صنایع غذایی
- اینترنت اشیا
- ثبت املاک

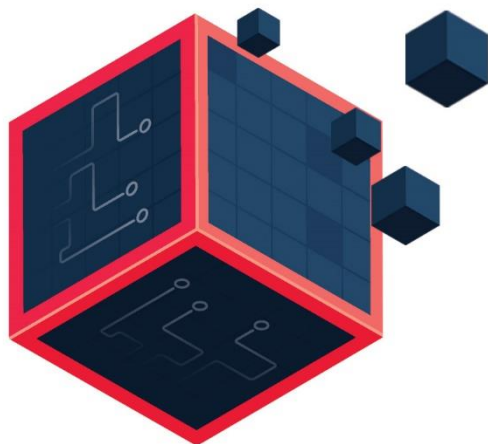
کاربردهای احتمالی در بخش مالی برای بحث و بررسی بیشتر شامل موارد زیر است:

- ردیابی محل و زمان پرداخت مالیات
- بر ارزش افزوده و در این صورت کلاهبرداری مالیات بر ارزش افزوده را کاهش دهید.
- کمک به شرکت‌های چند ملیتی که یک مجموعه داده ثابت برای مقامات مالیاتی متعدد ارائه می‌دهد.
- دادن اطمینان به اطلاعات مقامات مالیاتی و سایر تنظیم‌کنندگان نسبت به داده‌های ارائه شده به آن‌ها
- تأیید احکام و فرضیات مربوط به ایجاد سود کسب و کار جهانی در حوزه‌های قضایی مختلف
- دادن دید بیشتر به معاملات خرد مانند مواردی که توسط افراد به عنوان بخشی از اقتصاد اشتراکی انجام می‌شود.

منابع:



اسکن کنید



بایگانی مجازی و حسابرسی



نویسنده: سجاد هاشمی

دانشجوی کارشناسی حسابداری ۹۶

در دنیای امروز، استفاده از تکنولوژی برای رفع مشکلات، به امری طبیعی و بدیهی تبدیل شده است. در حرفه حسابداری، اینترنت و سیستم‌های برنامه‌ریزی شده از جمله رایانه، نقش قابل توجه و به سزایی را ایفا می‌کنند. به عنوان مثال در بحث بیمه و مالیات که نیاز به زمان زیادی داشتند، با استفاده از ظرفیت اینترنت و نرم‌افزارها، در زمانی بسیار کمتر نسبت به قبل انجام می‌شود. متأسفانه در حسابرسی، نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای قابل استفاده، هنوز جای خود را در این حرفه پیدا نکرده‌اند و اکثر کارها دستی و یا نهایتاً با استفاده از نرم‌افزارهای office انجام میشوند. همانطور که اشاره شد، می‌توان با بهره بردن از تکنولوژی، موانع و مشکلات حرفه مختلف از جمله حرفه حسابداری را رفع کرد.

از اواخر دهه ۷۰، سازمان حسابرسی در راستای وظایف خود، اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی را تا به امروز، وضع می‌کند. در حال حاضر ۴۲ استاندارد مصوب حسابرسی، ایجاد شده است. در استاندارد حسابرسی شماره ۲۳۰ (در سال ۱۳۹۵ تجدید نظر شده است). آمده است که:

دامنه کاربرد

در این استاندارد، مسئولیت حسابرس در ارتباط با تهیه مستندات حسابرسی در حسابرسی صورت‌های مالی مطرح می‌شود. ...

هدف

هدف حسابرس از تهیه مستندات حسابرسی، تأمین موارد زیر است:
الف- مدارک کافی و مناسب، پشتوانه گزارش حسابرسی
ب- شواهد برنامه‌ریزی شده و انجام حسابرسی طبق استانداردهای حسابرسی و الزامات قانونی و مقرراتی مربوط.

در اجرای عملیاتی استاندارد فوق‌الذکر، مدارک و مستندات مورد استفاده، به دو نوع تقسیم می‌شوند:
۱- مدارک و مستندات که حسابرس در آن‌ها تحلیل‌های خود، محاسبات خود و یا رسیدگی‌های مورد نظر را

می‌آورد و به وسیله کاربرگ‌ها و فایل‌های کامپیوتری، تشکیل می‌دهد. ۲- مدارک و مستندات هستند که حسابرس از شرکت مورد رسیدگی درخواست می‌کند که اصل آن مدرک مورد نظر را ارائه دهند. در ضبط و پرونده سازی مدارک نوع دو، مدارک به صورت کپی (به جزء مدارکی که باید اصل آن‌ها داخل پرونده حسابرسی قرار گیرند، مانند تأییدیه‌های اشخاص و بانک‌ها) دریافت می‌شود. مدارکی مانند قراردادهای و فاکتورهای هزینه را فقط می‌توان به صورت کپی داشت و اصل مدارک باید نزد شرکت مورد رسیدگی، باقی بماند. در فرآیند کپی گرفتن از مدارک در دست شرکت‌ها توسط حسابرس، مشکلات متعددی پیش می‌آید. از جمله آن مشکلات می‌توان به ناخوانا افتادن مدرک در کپی، عدم پیدا کردن مدرکی خاصی در بایگانی شرکت مورد رسیدگی، بابت کپی گرفتن و از همه مهم‌تر،

مشکل عدم تمرکزی است که برای حسابرس پیش می‌آید، اشاره کرد. معمولاً میز حسابرس حاذق در محل شرکت مورد رسیدگی، از محل بایگانی اسناد مدارک و دستگاه فتوکپی، دور است.

حسابرس در هر ثانیه به گردش و یا مطلبی در دفاتر مالی و یا در رسیدگی‌های خود برخورد می‌کند که نیاز آنی به دسترسی به مدارک و مستندات پیدا می‌کند این امر باعث می‌شود که از روی صندلی خود بلند شود و با جستجو در بایگانی و یا با صحبت کردن با نیروهای مالی شرکت، مدرک مورد نیاز خود را به دست بیاورد و سپس اگر نیاز به داشتن کپی آن مدرک بابت پرونده سازی داشته باشد، مجبور است از دستگاه فتوکپی که در نقطه متفاوت است، استفاده کند. این وقفه‌های متعدد که معمولاً زمان زیادی می‌برند و به دفعات تکرار می‌شوند، باعث می‌شود که تمرکز ۱۰۰٪ حسابرس که بر یک موضوعی معطوف است را کاهش دهد. این امر همچنین باعث طولانی‌تر شدن زمان رسیدگی یک شرکت می‌شود و باعث می‌شود با بیشتر شدن زمان رسیدگی بخش‌های مختلف، در کل برای یک پروژه حسابرسی، زمان بیشتری صرف شود.

همانطور که در ابتدای مطلب اشاره شد، می‌توان مشکلات به وجود آمده را به وسیله **تکنولوژی**، رفع کرد. در اکثریت شرکت‌ها و موسسات، بخش

مالی از بابت اینکه هر روز به پیچیدگی بحث‌های حسابداری افزوده می‌شود، مجهز به زیر ساخت‌های شبکه‌ای، کامپیوتر و سرور داده می‌باشند. در اینجا برای رفع آخرین مشکل یاد شده که مهم‌ترین مشکل نیز بود، می‌توان فرآیندی طراحی کرد؛ در لحظه‌ای که مدرکی به دست حسابدار می‌رسد و سپس مستند سازی اتفاق می‌افتد، مسئول بایگانی موظف است که از تمامی صفحات مدارک و مستندات، اسکن بگیرد و متناسب با اون مدرک، فایل‌بندی مناسبی را برای دسترسی سریع و آسان به تصویر مدارک، ایجاد کند. این فایل‌ها به وسیله شبکه موجود بین سیستم‌ها می‌تواند به اشتراک گذاشته شوند و همچنین در اختیار حسابرس نیز، قرار گیرد. در این حالت، حسابرس بدون نیاز به صرف کردن زمان و ایجاد وقفه در بین کار، مدرک مورد نیاز خود را به دست بیاورد و در لحظه، بررسی‌های لازم را انجام دهد و اگر نیاز به پرینت بود به یکباره تمام تصاویر مدارک مورد نیاز را، پرینت بگیرد. بر اساس تجربه، تمام حجم تصاویر مدارک و مستندات موجود در یک شرکت بزرگ، نزدیک به ۲TB خواهد بود. (این حجم در شرکت‌های کوچکتر، قطعاً خیلی کمتر خواهد بود). این حجم که شرکت به شرکت متغییر است، به راحتی می‌توان بین سیستم‌های موجود در شرکت، به اشتراک گذاشت. **حجم تصاویر مدارک و مستندات قطعاً با بزرگی شرکت و به تابع اون، زیر ساخت های شرکت، رابطه مستقیم دارد.**

در پایان، دو موضوع حفاظت از اطلاعات و محدودیت در رسیدگی، قابل طرح است. اول آنکه اشتراک گذاری کلی فایل‌های تصاویر مدارک باید با **کنترل‌های داخلی قوی** چک بشود تا اطلاعات از سیستم خارج نشود و دسترسی به اطلاعات به صورت طبقه‌بندی، صورت بگیرد. دومین موضوع در این رابطه است که حسابرس از اصل بودن مدرک مورد نظرش، باید اطمینان حاصل کند. در اینجا می‌توان کنترل حسابرسی به این شکل گذاشت که حسابرس به صورت نمونه‌ای، اصل مدارک را، رویت فیزیکی بکند.

با اجرای فرآیند طرح شده، بایگانی مجازی شکل خواهد گرفت که بسیاری از مشکلات حسابرسان و مشکل ذکر شده را، برطرف می‌کند.

حل مسئله فساد در دست حسابرسان و حسابداران



نویسنده: مائده شیدایی

دانشجوی کارشناسی حسابداری ۹۷



مقدمه

مطالعه تاریخ تمدن‌های باستان نشان می‌دهد که فساد در جوامع بشری قدمتی به اندازه حکومت و دولت دارد و اکنون یکی از مسائل مهم و اساسی در میان کشورهای جهان می‌باشد.

امروزه فساد مالی، صاحبان قدرت و مقام را در سطح داخلی کشورها و نیز در سطح جهانی به چالش اساسی در جوامع بشری دچار ساخته است؛ گوناگونی مصادیق فساد از یک سو و عواقب مخرب آن در نظام اقتصادی کشورها از سوی دیگر، بر اهمیت و توجه به این جرم و راهکارهای پیش‌گیری و مبارزه با آن می‌افزاید.

حسابرسان و حسابداران به دلیل ویژگی‌های درستکاری، واقع‌گرایی، جامع‌نگری و خدمت به منافع عمومی مردم، در مبارزه با فساد جایگاه مهمی دارند. با اینکه وظیفه اصلی آن‌ها و نقش قانونی آنان، مبارزه با فساد نیست، اما سمت‌های حساس‌شان در واحدهای اقتصادی جایگاه آنان را در تلاش‌های اجتماعی برای مبارزه با فساد برجسته می‌سازد.

تعریف جامع از فساد، فساد مالی

اولین گام برای تجزیه و تحلیل این مطلب، ارائه تعریفی روشن از فساد است. زیرا تا زمانی که به ادبیات یکسانی نسبت به این موضوع نرسیم، نمی‌توانیم در این باره بحث کنیم.

فساد در لغت، معنای مختلفی دارد از جمله؛ تباهی، ظلم و ستم، گزند و زیان، دشمنی و کینه و همچنین فتنه و آشوب را می‌توان ذکر کرد.

معادل انگلیسی فساد، کلمه (corruption) است که به معنی شکستن یا نقض کردن است. یعنی آنچه نقض یا شکسته می‌شود می‌تواند یک شیوه رفتاری، اخلاقی، اجتماعی و یا مقررات اداری باشد.

از دید منتسکیو، «فساد، یک سامانه سیاسی خوب و صحیح را به یک سامانه زشت و ناپسند تبدیل می‌کند.» و از نظر گونار میردال، فساد معنای وسیع‌تری دارد و به شکل‌های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی، استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی، اطلاق می‌شود.

بر اساس قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب سال ۱۳۷۸ مجلس شورای اسلامی، فساد، هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی

به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که به عمد و با هدف کسب هر گونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود و یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد و یا ضرر و زیانی به اموال، منافع و منابع یا سلامت و امنیت عمومی یا جمعی از مردم وارد کند؛ نظیر تبانی، اختلاس، سؤاستفاده از موقعیت اداری، سیاسی، امکانات و اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل و تخریب یا اختفای اسناد در سوابق اداری و مالی.

اما تعریفی که در این مقاله مورد نظرمان است، تعریف فساد مالی است. تا کنون تعاریف زیادی از فساد مالی شده است، لکن هنوز برخی از



صاحب نظران به زعم خود، تعاریف جدیدی از آن ارائه می‌کنند.

به هر نوع تصرف غیرقانونی از اختیارات و قدرت برای استفاده از امکانات مالی، فساد مالی اطلاق می‌شود که البته مصادیق بسیاری از جمله؛ اختلاس، رشوه، اخاذی، رانت‌های اقتصادی، برداشت و دخل و تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال، استفاده از امتیازات و بهره برداری‌های مالی و اشکال گوناگون دیگری می‌باشد. بنابراین می‌توان اذعان داشت که فساد مالی، سوءاستفاده از مقام و موقعیت دولتی برای کسب منافع شخصی است. این کار بعضی اوقات کوچک و ناچیز است و گاهی در سطح وسیع و کلان صورت گرفته و جنبه عمومی به خود می‌گیرد.

چه عواملی بستر مناسبات فساد انگیز می‌شوند؟

بررسی عملکردی فساد، نشان می‌دهد که چند عامل باعث رخنه فساد در جامعه و به ویژه در محدوده عملکرد مالی می‌شوند. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

- تمایل شدید در استفاده از پول نقد در معاملات
- نبود ضمانت اجرایی در زمینه ارائه اسناد و صورت‌های مالی توسط کلیه واحدهای تجاری
- فقدان کارکنان با تجربه
- فقدان نظام شایسته سالاری در گزینش مقامات و کارکنان ارشد دولتی
- نبود بازرسان برجسته اقتصادی برای نظارت بر فعالیت واحدها
- نهادینه شدن فساد و اختلاس در ارکان نظام
- نبود سازو کار حسابرسی مناسب دارای ضمانت اجرایی
- بررسی‌های به عمل آمده توسط سازمان جهانی شفاف سازی، نشان می‌دهد که معادله ذیل در مورد فساد، حاکمیت دارد:

فساد مالی

= انحصار + استبداد - میزان پاسخگویی

C (corruption)

= M(monopoly)+D(despotism)-A(accountability)

این معادله نشان می‌دهد که هر چه A و D افزایش یابند و C کاهش یابد و بالعکس، همچنین رابطه M و C یک رابطه مستقیم است یعنی با افزایش انحصار، درجه فساد بیشتر و با کاهش انحصار، درجه فساد در جامعه

کمتر خواهد بود.

وظیفه حسابرسان در قبال

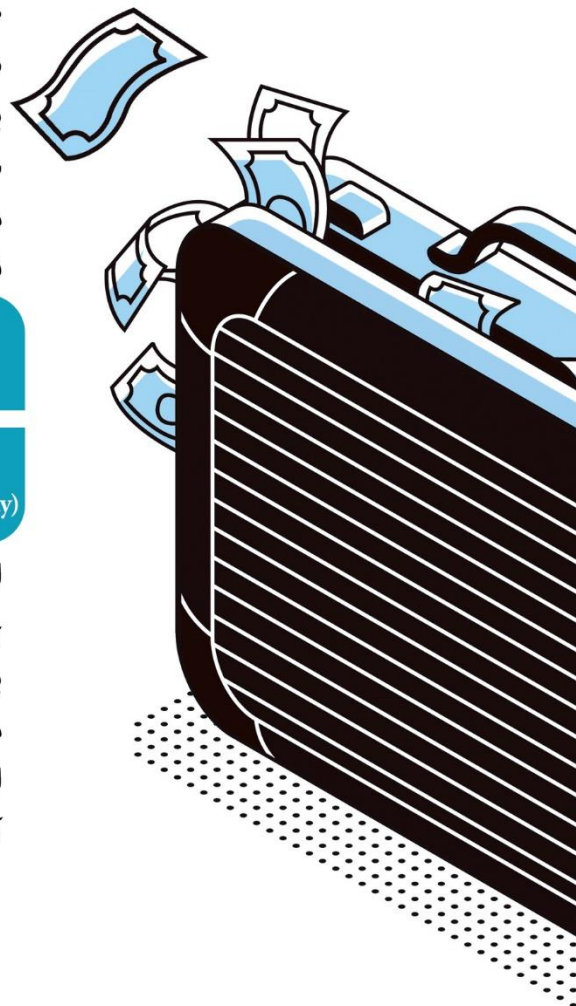
فساد مالی

انجمن حسابداران خبره (ICAEW) و انجمن حسابداران آمریکا (CPA)، طی رهنمودهای خاصی، وظایف ذیل را برای حسابرسان مستقل در مورد مبارزه با فساد مالی بر شمرده‌اند.

- بررسی معاملات مشکوک
- شناسایی معاملاتی که اهداف رشوه‌خواری برای مقامات دولتی دارد
- آموزش‌های کاربردی خاص برای مبارزه با فساد مالی
- کشف پرداخت‌های نامشروع
- بررسی روابط افراد مشکوک که ممکن است به آن‌ها پرداختی صورت گیرد اما در شرکت خدمتی ارائه ندهند
- نمونه‌های ذیل، از جمله موارد آشکار فساد مالی است که در صورت‌های مالی منعکس می‌گردد؛

- کاهش غیرمترقبه حساب‌های دریافتی از طریق سوخت مطالبات و دریافت مطالبات خارج از صورت‌های مالی
- دریافت صورت‌های غیرواقعی و خروج پول از شرکت و زد و بند مقامات با فروشندگان
- خرید اجناس به قیمتی بیشتر از قیمت عادلانه بازار
- فروش کالا و خدمات به قیمتی کمتر از قیمت عادلانه بازار

- تعدیل مبلغ قراردادهای، حین انجام کار و یا پس از انجام کار به طوری که مبلغ تعدیل درصدی از کل کار را تشکیل دهد و مثلاً مبلغ تعدیل + مبلغ اولیه قرارداد از مبلغ پیشنهادی نفر دوم بیشتر شده باشد



• واگذاری امکانات و منابع مالی شرکت به سایر اشخاص غیرمرتبط با فعالیت‌های شرکت

• پرداخت وجه از شرکت به اشخاص یا نهادهایی که در ارتباط با فعالیت شرکت نمی‌باشد

• خرید سهام به قیمت بالا و بلافاصله یا مدت کمی بعد، فروش آن به قیمت کمتر و بالعکس

• واگذاری امتیازات فروش کالا و یا اعطای نمایندگی انحصاری به افراد خاص و مهم‌ترین مواردی که می‌توانند موجب توفیق بیشتر حسابرسی در انجام رسالت و مبارزه با فساد مالی شود عبارتند از:

• احاطه گروه حسابرسی به واحد تجاری حسابرسی شونده از طریق آشنایی کامل با همه فعالیت‌ها و واحدهای اداری آن‌ها

• شناسایی نقاط آسیب‌پذیر واحدهای تجاری که در معرض خطر بروز فساد هستند

• اولویت دادن رسیدگی به موضوعها و برنامه‌هایی که ارتباط بیشتری با نقاط آسیب‌پذیر واحد تجاری دارد

• اولویت دادن رسیدگی به طرح‌های عمرانی و سرمایه‌ای واحد تجاری

• به دست آوردن اطمینان از نبود مصادیق فساد مالی از قبیل رشوه، اختلاس، حساب سازی و... به عنوان یکی از حدود رسیدگی در برنامه‌های حسابرسی در نظر گرفته شود و کنترل‌های لازم را در این زمینه حین اجرای برنامه‌های رسیدگی اعمال کنند

• ارزیابی بررسی سیستم‌های کنترل‌های داخلی، در بخش‌های

مختلف واحد تجاری و گزارش هرگونه نقاط ضعف مشاهده شده و همچنین ارائه پیشنهادهای مفید و مؤثر در زمینه تقویت و بهبود سیستم‌های کنترل‌های داخلی واحد تجاری

• به محدودیت‌هایی که در رسیدگی‌های حسابرسی، از سوی واحد تجاری به وجود آمده است بی‌توجهی نشده و ضمن انعکاس موارد در گزارش حسابرسی، محدودیت‌های ایجاد شده در رسیدگی به برنامه‌های حسابرسی که با نقاط آسیب‌پذیر واحد تجاری ارتباط دارند، برای حصول نتیجه و کشف حقیقت به سطوح ذی‌صلاح منعکس شوند

• مواردی که به طور مستند به بروز فساد مالی مشکوک هستند و مستندات و مدارک مربوط در رسیدگی‌های حسابرسی، به صورت کارشناسانه مورد بررسی دقیق قرار گرفته و برای کشف فسادهای پنهان به سطوح ذی‌صلاح گزارش شود

• موارد پیش‌گفته حکایت از ابعاد گسترده سراسری وجهانی فساد مالی در جهان کنونی دارد و از آن‌جا که امر توسعه و آبادانی و رفاه اجتماعی مردم کشورهای جهان در گرو سلامت و امنیت اقتصادی می‌باشد.

• وظیفه حسابرسان در قبال مبارزه با فساد مالی در قالب مسئولیت اجتماعی، بسیار با اهمیت می‌باشد؛ به طوری که اکثر دولت‌های بزرگ جهان، حسابرسان را به عنوان اولین نهادهای مبارزه با فساد مالی می‌شناسند. لذا حسابرسان امروزه نمی‌توانند تنها به اظهار نظر

در قالب استانداردهای خاص، اکتفا نمایند زیرا قوانین ضد فساد مالی و ضد پولشویی، قصور از جانب حسابرسان در این مبارزه را مشمول جرائم قرارداداند.

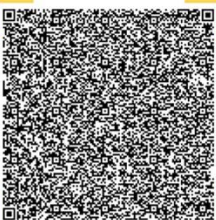
نتیجه‌گیری

فساد مالی، نقض قوانین موجود برای تأمین منافع و سوءشخصی است که گاه در قالب اختلاس، رشوه و پولشویی و گاه به شکل سوءاستفاده از موقعیت در ایجاد تبعیض بروز می‌کند ولی به هر نوعی که باشد فساد است و باید با آن مبارزه کرد.

به دلیل ابعاد گسترده و پیچیده فساد مالی، مبارزه با آن باید به صورت عمومی و در همه سطوح جامعه با مشارکت دولت و نهادهای مختلف مالی، سیاسی و قضایی صورت گیرد که این امر نیازمند تعهد دولت و وجود چارچوبی استوار و یکپارچه شامل مجموعه‌ای از قوانین و مقررات، سیستم‌های کنترلی و معیارهای اخلاقی است که فساد را منع کند و جرایم سختی برای مرتکبان آن در نظر بگیرد.

جامعه حسابداران رسمی ایران، برای گسترش دامنه مبارزه با فساد و اثربخش‌تر ساختن نقش حسابداران در این مبارزه حساس، گام‌های مهمی برمی‌دارند و شایستگی حسابداران را در این مهم اجتماعی از طریق اعتبار بخشیدن یا اعتبار ندادن به صورت‌های مالی بنگاه‌ها و مؤسسات، از طریق حسابرسی اصولی آشکار سازد.

منابع:



اسکن کنید



نویسنده: علی خورشیدزاده

دانشجوی کارشناسی حسابداری ۹۷

ایجاد می‌شود که باعث تقویت اعتماد در بازارهای جهانی ما می‌شود.

تغییرات در حسابرسی صورت‌های مالی با چهار عامل شکل می‌گیرد: فناوری، روش‌شناسی، استانداردها و مهارت‌ها

فناوری

در دنیای ارتباط، گزارش تاریخی نسبت به گزارشهای حال حاضر، کمتر مطرح است. با شروع فضای ابری، اتوماسیون و تجزیه و تحلیل داده‌ها، در حال پیشبرد مسیری سریع تر در گزارشگری مالی هستیم. مرحله آخر - نظارت و اطمینان مستمر - به نفع مردم خواهد بود اما برای موفقیت، نیاز به نوآوری است.

یک فناوری امیدوارکننده، بلاک‌چین است؛ یک دفتر حسابرسی توزیع دیجیتال که معاملات را از طریق شبکه هم‌تا به هم‌تا (نظیر به نظیر) ثبت می‌کند. با این حال، سؤالات بسیاری وجود دارد خصوصاً در مورد چگونگی عملکرد بلاک‌چین، از مقیاس‌پذیری دسترسی به اطلاعات، اساسی حسابرسان تا مالیات، حسابداری و حسابرسی معاملات دارایی‌های کریپتو.

باعث می‌شود ۴۰ درصد از کارهای حسابداری اصلی تا سال ۲۰۲۰ به طور خودکار انجام شود. برای برخی، این جهش بزرگ برای حسابرسی در آینده که کاملاً خودکار، دست نخورده و بدون نظارت توسط انسان باشد کاملاً واقعی است.

من با نظر آن‌ها موافق نیستم. پیشرفت‌های تکنولوژیکی، به ما ابزاری برای بهبود کارایی و اثربخشی حسابرسی در یک محیط تجاری که دائماً در حال پیچیده شدن است، می‌دهد، اما هنوز هم نیاز به ارزیابی حرفه‌ای، قضاوت و شک و تردید وجود دارد که حسابرسان این مسئولیت را برعهده دارند.

اثر متقابل بین هوش انسانی و هوش مصنوعی، تمرکز اصلی "تحول حسابرسی در آینده" است که یکی از اولویت‌های استراتژیک انجمن حسابداران حرفه‌ای معتبر بین‌المللی می‌باشد، این مرکز، سازمانی جهانی است که نماینده صدای یکپارچه مؤسسه آمریکایی CPA و انجمن حسابداران رسمی مدیریت است. فراتر از تغییر در حسابرسی صورت‌های مالی، پیش‌بینی می‌کنم که فرصت‌های وسیع و بر مبنای تکنولوژی در چندین زمینه - مانند یکپارچگی داده‌ها و مدیریت ریسک فضای مجازی - ایجاد

نگاهی به آینده در دنیای سریع تغییرات

وقتی به تغییرات در حسابرسی صورت‌های مالی می‌اندیشیم، ذهن مان بیشتر متمایل است به رخدادهای بزرگ و گسترده فکر کند. به عنوان مثال، بلافاصله پس از سقوط بورس سهام در سال ۱۹۲۹، دوره‌ای مدرن از حسابرسی مستقل صورت‌های مالی ایجاد شد که کلید اطمینان مردم در بازارهای جهانی ما بوده است.

حسابرسی از آن زمان به طور مداوم در حال تحول است و در سال‌های اخیر متناسب با عصر رایانه، ظهور و تجزیه و تحلیل داده‌ها و CPAها نقش محوری را در این فرآیند بازی می‌کنند و در آینده نیز، نقش مهمی خواهند داشت. اکنون دستگاه‌های خودکار و دیجیتالی شدن اطلاعات کسب و کار، در حال تغییر شکل عملکرد مالی هستند و روش‌های ما، مشتریان و کارفرمایان را تغییر می‌دهند.

سرعت این تغییر بی‌سابقه است؛ مؤسسه جهانی مک کینزی تخمین می‌زند که ۴۹ درصد از فعالیت‌های کاری در حال حاضر می‌توانند با استفاده از فناوری‌های موجود به صورت خودکار در بیایند. همچنین، شرکت Deloitte Big Four، بیان کرده است که رباتیک کردن پروژه‌ها

روش شناسی

استفاده روزافزون از تجزیه و تحلیل داده‌های حسابرسی، می‌تواند حسابرسی صورت‌های مالی را متحول کند و یکی از عناصر اصلی روش حسابرسی قابل دگرگونی، داده محور بودن است که پایه و اساس یک راه‌حل حسابرسی جدید و پویا خواهد بود. تجزیه و تحلیل داده‌های ساختاری و بدون ساختار، در جایی که تجزیه و تحلیل عملی کل جمعیت از داده‌ها بر خلاف نمونه‌گیری انجام شود، به ارائه دیدگاه بهتری از حسابرسی کمک می‌کند. ما همچنین با شرکت‌های برجسته CPA، دانشگاه راتگرز و سایر محققان در مرکز تحقیق آنالیز تحقیقات، Rutgers AICPA، RICGAR یا RADAR مشغول کار هستیم که بخشی از آن بر توسعه تکنیک‌های تشخیص نقاط دورافتاده در فضای بزرگ اطلاعات تمرکز دارد که احتمال زیاد اظهار غلط در موارد وجود دارد و انتظار داریم اصلاحات بیشتری در این نوع رویکردها رخ دهد.

هوش مصنوعی، فناوری دیگری است که در حال تحقیق بر روی متمرکز هستیم، و بهتر است بدانیم چگونه عدم شفافیت پیرامون الگوریتم‌های پیچیده هنگام استفاده از هوش مصنوعی و به طور خاص، یادگیری ماشینی را در زمینه حسابرسی درک کنیم. ما همچنین برنامه کاربردی AI را برای تقویت توانایی تجزیه و تحلیل داده‌ها برای پشتیبانی از کشف اطلاعات بررسی شده به عنوان بخشی از حسابداری صورت‌های مالی در نظر می‌گیریم. برای این منظور، AICPA و CPA.com با همکاری CaseWare International، که یک شرکت نرم افزار حسابرسی پیشرو است، همکاری کرده است تا یک راه‌حل حسابرسی یکپارچه برای شرکت‌های CPA در اندازه‌های مختلف ایجاد کند تا فرآیندهای حسابرسی پیشرفته فناوری را به کار گیرند. شغل حسابداری احتمالاً به صورت خودکار انجام می‌شود.

احتمال رایانه‌سازی (۱ = قطعی)

۰/۹۹	بازاریاب تلفنی
۰/۹۴	حسابداران و حسابسان
۰/۹۲	فروشنندگان خرده فروشی
۰/۹۸	نویسندگان فنی
۰/۸۶	مشاورین فروش املاک
۰/۸۱	پردازش‌گرهای ورد و تایپ‌ها



استانداردها

اخيراً هیئت بررسی استانداردهای حسابرسی، پروژه‌های تنظیم استاندارد را با توجه به فناوری و شیوه‌های در حال تحول در اولویت خود قرار داده و از استاندارد شواهد حسابرسی شروع کرده‌اند. در ادامه این کار، ASB، تخمین‌های حسابرسی، ارزیابی ریسک، تجزیه و تحلیل داده‌ها، کنترل کیفیت و شک و تردید حرفه‌ای را مورد بررسی قرار خواهد داد. بدون تغییر در استانداردها، روش‌های نوآوری حسابرسی برای توسعه و اجرا، دشوار خواهد بود.

مهارت‌های جدید

با پیشرفت این تکامل، حسابرسان به طور فزاینده‌ای نیاز به طیف گسترده‌تری از مجموعه مهارت‌ها دارند از فناوری اطلاعات گرفته تا علوم داده‌ها و ترسیم‌ها. تقاضا برای خدمات جدید امنیتی، مانند SOC برای امنیت سایبری، به صلاحیت‌های گسترده‌ای نیاز دارد. شرکت‌ها به دنبال استعدادهایی هستند که دارای مهارت دیجیتالی باشند و رویکردهای امنیتی جدید را ایجاد کنند، در حالی که هنوز هم تمرکز زیادی بر اعتماد و کیفیت دارند. افراد حرفه‌ای وظیفه دارند تا با آکادمی‌ها جهت تهیه برنامه‌های درسی یادگیری مناسب برای این مجموعه‌های مهارت‌های جدید که به سرعت در حال تغییر هستند، همکاری کنند.

فناوری، محرک حسابرسی آینده است، اما اگر بخواهیم پتانسیل‌های آن را بشناسیم، باید در روش شناسی، استانداردها و افزایش مهارت‌ها، پیشرفت کنیم. این زمان، دوره‌ی هیجان‌انگیزی برای این حرفه است، یک اتفاق که نیاز به عملکرد سریع، تمرکز و مراقبت دارد.

منبع:



اسکن کنید





نویسنده: نجمه سادات حائری عراقی

دانشجوی کارشناسی حسابداری ۹۵



نویسنده: سمانه صبوری مطلق

دانشجوی کارشناسی حسابداری ۹۸

این واکنش اشتباهی است، بنابراین باید انتظار کسب سود، منطقی و واقعی باشد.

حداکثر سود و زیان در بورس چه مقدار است؟

سود و زیان در بورس، به تغییر قیمت سهام وابسته است، و قیمت سهام هم تابع عرضه و تقاضای فعالان بورس می‌باشد؛ بنابراین هرگز نمی‌شود به طور قطعی گفت چه مقدار سود و زیان در بورس ممکن و محتمل است.

البته برای سود و زیان در بورس سقف مشخصی وجود دارد. بر اساس قوانین سرمایه در بورس، هرروز نسبت به روز گذشته حداکثر ۵٪ نوسان دارد. یعنی سرمایه شما هر روز حداکثر ۵٪ افزایش پیدا می‌کند یا ۵٪ کاهش پیدا می‌کند (بدون احتساب کارمزد خرید یا فروش سهام) و برای فرابورس، این نوسان تا ۲۰٪ قابل تغییر است. این نوسان می‌تواند افزایش یا کاهش قیمت باشد.

بورس روند صعودی و افزایشی داشته است و حداقل ۱۰۰ درصد رشد را از ابتدای سال تا کنون شاهد بودیم.

به طور میانگین، در این مدت سپری شده، روزانه ۲/۲ درصد، سوددهی در بورس اتفاق افتاده است.

رشد شاخص بورس، تا زمانی که ورود نقدینگی به بازار، دارای افزایش باشد، ادامه دارد و در حال حاضر از لحاظ تکنیکال، شاخص بورس و قیمت سهام به سمت رشد شکسته شده است و ادامه دارد.

گفته می‌شود که این روند رو به رشد، تا پایان سال ۹۹ و شاید هم تا پایان کار دولت فعلی ادامه داشته باشد و نسبت به بقیه بازارها، پررونق‌تر، سودآورتر و فریبنده تر ظاهر شود.

البته باید به این نکته اشاره کرد، این موضوع که در حال حاضر، بورس در اغلب اوقات سبز و مثبت است، یک روند غیرعادی است، و ممکن است در شرایط عادی، بورس همیشه دارای سیر مثبت نباشد و به اصطلاح، قرمز بخورد که در این شرایط عده‌ای از سرمایه‌گذاران، این روند را به شرایط غیرعادی تعبیر می‌کنند که

امروزه اقشار مختلفی از مردم با بورس آشنایی دارند، در چند ماه اخیر نیز، تعداد فعالان بورس افزایش قابل توجهی داشته است. بر اساس آمارها، تعداد کدهای بورسی از ابتدای فروردین ۹۹ تا به امروز بیش از ۲۴۰,۰۰۰ افزایش داشته است و همچنین میزان خرید عرضه اولیه در سال گذشته ۸۰۰ هزار بوده و هم اکنون حدود ۵/۵ میلیون است. بخاطر فراگیر شدن این بازار پر از جاذبه، قرار بر این شد که این مقاله راجع به بورس عنوان شود، به طوری که با هر سطح از اطلاعاتی که راجب بورس در اختیار شماست، بازهم این مطلب برای شما مفید و کاربردی باشد.

معمولاً برای افراد مبتدی که تازه وارد بورس شده‌اند، سوالات مختلفی مطرح می‌شود؛

بورس تا چه زمانی سود ده است؟

بورس را می‌توان به نحوه‌های مختلفی توضیح داد و عنوان کرد، اما به عنوان یک توضیح کلی، می‌توان بورس را به یک زمین کشاورزی تشبیه کرد که هنگام خرید سهم تا زمان فروش آن، باید صبور بود و فرایند را تحت کنترل گرفت، تا بهترین میوه در اختیار صاحب زمین قرار بگیرد. و اما در مورد بورس ایران، با توجه به آمار، در سال ۹۹

SELL

عوامل اثر گذار بر بازار سرمایه

عده زیادی از فعالین بورس، از اطلاعات اولیه و مبتدی برخوردارند اما پیش‌بینی راجب آینده بازار و تشخیص عواملی که می‌تواند بر فراز و نشیب بورس اثر داشته باشد، اطلاعات بالاتری می‌طلبد.

اخیراً به دلیل ورود افراد جدید با دانش نسبتاً کم به بورس، روند فعالیت بورس دچار پیچیدگی بیشتری شده است. از سویی تاثیر احساسات و هیجان در آن مشخص است و از سمت دیگر، همچنان از قواعد و فرایند تکنیکال پیروی می‌کند. بر اساس نظرسنجی و تحقیقات تیم تریدرگرام با جامعه آماری متشکل از فعالان بورس، ۱۹،۶۴٪ درصد اعتقاد داشتند که روند تکنیکال در بورس همچنان دارای سهم بیشتری است، و ۷۵٪ تاثیر هیجان‌ات جمعی را بر بورس بیشتر می‌دانستند.

در این میان ۵،۳٪ از جامعه آماری، اعتقاد داشتند بورس فعلی، ترکیبی از این دو عامل است و هر دو به یک اندازه تاثیر گذارند.

به طور کلی بازار، هم براساس تکنیکال بر خورد می‌کند و هم بر اساس بنیادی. یعنی هم هوشمند است هم فاقد شعور. بازار نتیجه عکس‌العمل واکنشی مردم، به اخبار و رویدادها است. این اخبار و رویدادها اگر باعث تغییر در نگاه و ارزیابی سرمایه‌گذارها شود، بازار تغییر جهت می‌دهد و اگر باعث شود سرمایه‌داران، بیش از اندازه عکس‌العمل نشان دهند، بازار هیجانی به وجود می‌آید.

در تحلیل تکنیکال، اتفاقی که رخ می‌دهد این است که؛ نقاطی که ممکن است براساس آن، عموم مردم واکنش نشان بدهند، پیدا شود. تکنیکال بودن در بازارهای جهانی به این معناست که وقتی بازار دچار ریزش شود، تکلیف برای معامله‌گران مشخص است و اخبار و اتفاقات تاثیر چندانی بر بازار ندارند.

مثالی راجع به همین رویداد وجود دارد که: «تکنیکالیست‌ها را همراه با یک چارت پشت درهای بسته ننگه دارید، با تحلیل تکنیکال می‌توانند بدون هیچ خبری معامله کنند و به سود برسند».

ولی فاندمنتالیست‌ها، سبک متفاوتی دارند. تحلیل بنیادی در جستجوی اخباری است که بر تصمیم سرمایه‌گذار اثر دارد. در بازارهای ایران که رانت و رابطه تأثیر بسزایی دارد، پیش از هر اتفاقی، کسانی که زودتر از اخبار و ریزش و صعود سهم‌ها، با استفاده از رانت، آگاه می‌شوند، راحت‌تر می‌توانند به سود برسند.

برای مثال، قبل از ریزش اخیر که در بورس اتفاق افتاد، یکی از شرکت‌های حقوقی سهام، در شرکت‌های مختلف، اقدام به فروش سهام‌های مختلف خود کرد و به طرز عجیبی از ضرر دور شد.

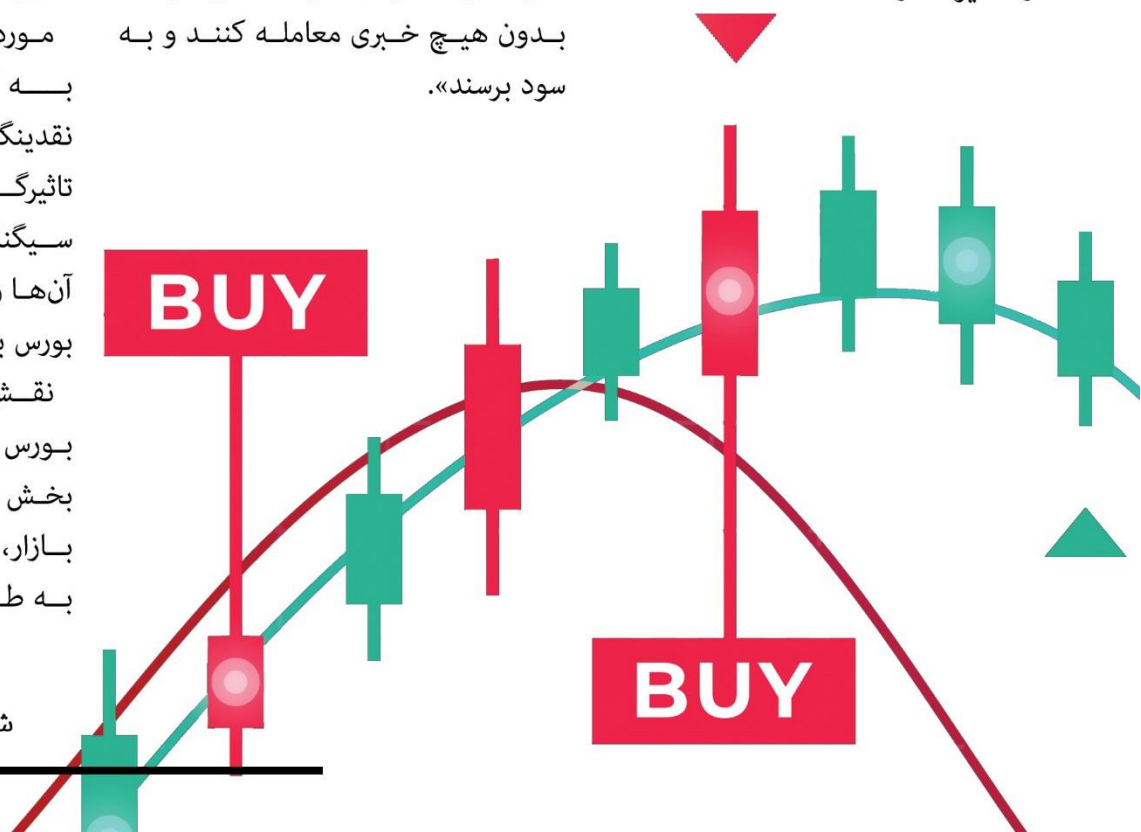
فاندمنتالیست‌ها، عقیده دارند که ارزش ذاتی اغلب سهام‌ها بیش از ۱۰ هزار ارزش دارد.

اما چون دسترسی آزاد به اخبار برای همه وجود ندارد، فاندمنتال همیشه پاسخگو نیست.

از طرفی، تکنیکال نیز، به علت محدود بودن دامنه نوسان، همیشه کاربرد ندارد.

موردی بعدی که در ابتدای مطلب به آن اشاره شد، حجم پول و نقدینگی بسیار و همچنین رسانه‌های تاثیرگذار مانند اخبار و کانال‌های سیگنال‌دهی و ... است که می‌توان آن‌ها را جزء عوامل مهم و اثرگذار در بورس به شمار برد.

نقش دولت و تصمیمات آن بر بورس را نیز نمی‌توان نادیده گرفت و بخش مهمی از تاثیرات و تغییرات این بازار، وابسته به دولت است. به طور مثال: معامله



زیر قیمت NAV (ارزش خالص دارایی) برخی سهام‌ها و یا نگه داشت یک سری سهام‌هایی که شاخص بورس را به سرعت مثبت می‌کند. و همچنین این پیش بینی وجود دارد که پس از انتخابات ریاست جمهوری، بازار بورس نیز تحت تاثیر قرار گرفته و متشنج شود.

مدیریت ریسک، دانشی برای حرفه‌ای‌ها

بحث مدیریت ریسک، بحث حرفه‌ای در بورس است که می‌تواند روی سود و زیان و مدیریت سرمایه به شدت اثرگذار باشد.

یک فرد حرفه‌ای در بورس، بوسیله تحلیل تکنیکال و بنیادی، ابتدا به پیش بینی شرایط آتی سهم و سپس انجام معاملات می‌پردازد.

برای مدیریت در ریسک، روش‌های متفاوتی وجود دارد:

شناخت بازار سرمایه، بخش مهمی در مدیریت ریسک و سرمایه است. هر بازار ویژگی‌های متفاوتی دارد و عوامل اثرگذار بر آن متفاوت است.

آشنایی با انواع بازار و شناسایی انواع ریسک، فاکتور مهمی در این بازار پرنوسان است.

بازار سرمایه و بورس در ایران به سه دسته تقسیم می‌شود:

بازار ارز: که پر ریسک‌ترین بازار است و عوامل سیاسی بر نوسانات آن تاثیر به سزایی دارند.

بازار کالا: که پیش بینی و بررسی آن به نسبت سایرین ساده‌تر است و نوسان ناگهانی ندارد.

بازار اوراق بهادار: که در صورت داشتن مهارت تحلیل تکنیکال، موفقیت در آن ساده است.

همچنین تعریف استراتژی معاملاتی و پایبندی به آن می‌تواند به منزله برگ برنده باشد. گاهی حرص و طمع باعث میشود تا معامله‌گر از سهم خارج نشود یا... و به تبع دچار زیان مالی یا لطمه روحی شود. تعیین حد ضرر و زیان و سود، مهم‌ترین بخش

یک استراتژی معاملاتی است. حد ضرر (Stop Loss) یکی دیگر از روش‌های مدیریت ریسک است که با تعیین آن، برای ورود و خروج سهام حد مشخصی تعیین می‌شود، و در صورت افت قیمت و نزدیک شدن رقم آن به حد ضرر معین، برای جلوگیری از زیان باید از سهم خارج شد. شرح آن با استفاده از نمودار به این صورت می‌شود که به طور مثال یک سهم در طی چند روز سود کرده و روند افزایشی داشته است؛ اگر ما حدی مشخص کنیم، این سهم با رسیدن و نزدیک شدن به آن حد، آماده فروش است. اگر ما زمان رسیدن به حد، اقدام به فروش کنیم با اولین ضرر، همه سهام‌داران، سهم خود را به فروش می‌گذارند و صف فروش ایجاد می‌شود و پس از مدتی شاهد هستیم که سهام ما به فروش نرفته و پول ما بی استفاده مانده است؛ در صورتی که



می‌توانستیم نزدیک حد، به راحتی به فروش برسانیم و سود ببریم.

البته در بازار بورس تهران به علت محدودیت نوسان در سهم‌ها و کندی مکرر هسته، تعیین و عمل به استراتژی حد ضرر در اکثر مواقع امکان‌پذیر نیست و این خودش یک ریسک دیگر در بازار بورس تهران است.

استفاده و تعیین حد ضرر باعث می‌شود میزان ریسک کنترل شده باشد و از لطمه به سرمایه اصلی نیز، جلوگیری می‌کند؛ با پیشگیری از لحاظ روحی نیز، باعث آمادگی بیشتر معامله‌گر برای اتفاقات پیش رو می‌شود.

تعیین حجم معاملات، متناسب با استراتژی و مدیریت ریسک نیز اهمیت بسیاری دارد. قدرت مدیریت چند معامله به طور همزمان، به ویژگی اخلاقی و روحی معامله‌گر و

همچنین مهارت و تسلط او بر ابزار فنی بازار وابسته است. انجام چند معامله به طور همزمان، تمرکز را کاهش داده و توانایی مدیریت کامل را محدود می‌کند.

گاهی مشاهده می‌شود که برخی از افراد اقدام به خریدن یک سهم با تمام سرمایه خودشان می‌کنند و سودهای چند برابری دریافت می‌کنند؛ مخصوصاً در چند ماه گذشته افراد تازه کار در بازار بورس، بسیار بیشتر از افراد قدیمی بورس، بوسیله سرمایه‌گذاری‌های بسیار پر ریسک سود کرده‌اند اما عموماً این افراد از ریسک سرمایه‌گذاری به این شکل آگاه نیستند.

تشکیل سبد سهام یا پرتفوی، یکی از روش‌های مدیریت ریسک است که با انتخاب سهام شرکت‌ها از صنایع مختلف، می‌توان سهام را در سود و زیان تعدیل کرد که در اصطلاح گفته

می‌شود (همه‌ی تخم مرغ‌ها را در یک سبد نگذار). حتی در زمان ریزش و اصلاح نیز، صنایعی هستند که مورد توجه خریداران قرار خواهند گرفت و پخش بودن سبد می‌تواند به کاهش زیان ناشی از ریزش یا اصلاح کمک کند.

حتی اگر معامله‌گر بسیار مطمئن باشد که یک سهم رشد زیادی را تجربه خواهد کرد، نباید سر جمع بیش از ۵۰ درصد سرمایه را روی آن سهم بگذارد و بهتر است حداقل در ۳ صنعت اقدام به سرمایه‌گذاری کرد.

استفاده از سهم‌هایی که وابستگی کمتری به یکدیگر دارند نیز، نکته موثری است، در این صورت اگر یکی از سهم‌ها دچار زیان شود، سود دیگر سهم‌ها می‌تواند زیان وارده را پوشش دهد.

در پایان، مطالعه کتاب و یادگیری راجع به مدیریت ریسک و سرمایه و محاسبه ریسک، می‌تواند قدم موثری برای پیشرفت در بورس باشد.

منابع:



اسکن کنید



گفتگو با سرکار خانم مهناز مصدق

رتبه ۸ کنکور کارشناسی ارشد حسابداری



مصاحبه کننده: یگانه همراهی

دانشجوی کارشناسی حسابداری ۹۷

-لطفاً خودتان را به طور کامل معرفی نمایید.

مهناز مصدق هستم، متولد ۱۳۷۴.

-نام رشته تحصیلی و رتبه قبولی خود را ذکر نمایید.

رتبه ۸ کنکور ۱۳۹۸ و حال حاضر دانشجوی ارشد رشته‌ی حسابداری دانشگاه فردوسی هستم.

-فارغ التحصیل از کدام واحد دانشگاهی و در چه سالی هستید؟

بنده فارغ التحصیل دانشگاه غیرانتفاعی عطار، سال ۹۷ هستم.

-مطالعه برای کنکور را از چه زمانی آغاز کردید و به طور میانگین چند ساعت در روز مطالعه داشتید؟

از مهر ۹۷ شروع کردم، با روزی ۵ ساعت ولی از فروردین ۹۸ به طور میانگین روزی ۸ ساعت مطالعه داشتم.

-به نظر شما، نحوه انتخاب منابع کنکور باید چگونه باشد و انتخاب صحیح آن‌ها تا چه حد مهم است؟

منابع متعدد، موجب سردرگمی و خستگی در مطالعه می‌شود، لذا انتخاب منابع محدود و صحیح در مطالعه نقش بسزایی دارد، زیرا زمان صرف کردن، برای منابع متعدد و تمام نکردن آن‌ها، انگیزه مطالعاتی را تا حد زیادی کاهش می‌دهد، بنابراین بهتر است چند منبع مهم انتخاب و به طور ۱۰۰٪ مطالعه شود.

-روند مطالعه و برنامه‌ریزی شما به چه نحوی بوده است؟

هر مبحثی که در کلاس تدریس می‌شد، بعد از کلاس همان مبحث را مطالعه نموده و تست‌های مرتبط با آن مبحث را می‌زدم و آخر هر هفته کلیه مباحث را از ابتدا تا جایی که تدریس شده بود، حتی در حد چند تست، می‌زدم تا فراموش نکنم.

-آیا کلاس‌های کنکوری و مشاوره و آزمون‌های آزمایشی را شرکت کردید؟

بله، مشاوره نقش بسزایی در موفقیت من داشت.

-چه عواملی در موفقیت شما نقش داشتند؟

مشاوره، کلاس، بازه‌های مروری مناسب و فضای مناسبی که خانواده از لحاظ روحی و انگیزشی برای من مهیا نمودند.

-چرا با وجود کسب رتبه تک رقمی، دانشگاه فردوسی را به دانشگاه تهران، ترجیح دادید؟

به دلیل شرایط تأهل و نزدیکی مسیر، دانشگاه فردوسی را انتخاب کردم.

-به عنوان رتبه برتر، چه توصیه‌ای برای دانشجویان مقطع کارشناسی دارید؟

در وهله‌ی اول، انگیزه و روحیه مناسب، تلاش و پشتکار و سپس انتخاب منابع درست و اینکه وقتی تصمیم به شروع می‌کنند ناامیدی را کنار گذاشته و تمام تلاش خود را در راه موفقیت به کار گیرند.

-به عنوان حرف آخر، اگر نکته‌ای هست که تمایل به مطرح کردن آن دارید، بفرمائید.

در نهایت، لازم است بگویم همه چیز در دستانتان، دوستانتان عزیزم اگر امسال موفق به قبولی نشدید امید خود را از دست نداده و راه خود را ادامه دهید که پیروزی از آن شماست.

شرکت رهیار محاسب زرین

برگزار می کند

دوره های آموزشی

ویژه

دانشجویان

شرکت رهیار محاسب زرین قصد دارد تا جهت افزایش مهارت و توانایی دانشجویان رشته حسابداری، ۱۵ دوره آموزشی برای آمادگی آزمون های مهم حسابداری، افزایش دانش و مهارت حسابداری و قوانین مرتبط با آن برگزار نماید



دوره های آمادگی آزمون

آمادگی آزمون ACCA

آمادگی آزمون CPA

آمادگی آزمون مشاوران رسمی مالیاتی

آمادگی آزمون کارشناس رسمی دادگستری

دسترسی به به صورت دائمی
ویدیوهای دوره

دریافت کد تخفیف از

Rahyarevent.ir

یا ارسال عدد ۷ به شماره

۵۰۰۰۱۰۶۰۰۸۱۳۱۱

دوره های مهارتی

✓ حسابداری صنعتی و بهای تمام شده

✓ حسابداری بازار کار

✓ آموزش نرم افزارهای حسابداری و حسابرسی

✓ کاربرد اکسل در حسابداری و حسابرسی

✓ تنظیم اظهارنامه عملکرد ارزش افزوده، صورت

معاملات فصلی و لیست حقوق و بیمه

✓ مرور قوانین مالیاتی

✓ مرور استانداردهای حسابداری

✓ قوانین چندگانه در حسابداری

✓ پایان نامه نویسی حسابداری

✓ مقاله نویسی حسابداری

✓ تنظیم صورت های مالی

✓ آمادگی آزمون کارشناسی ارشد



اسکن کنید



Rahyarevent.ir

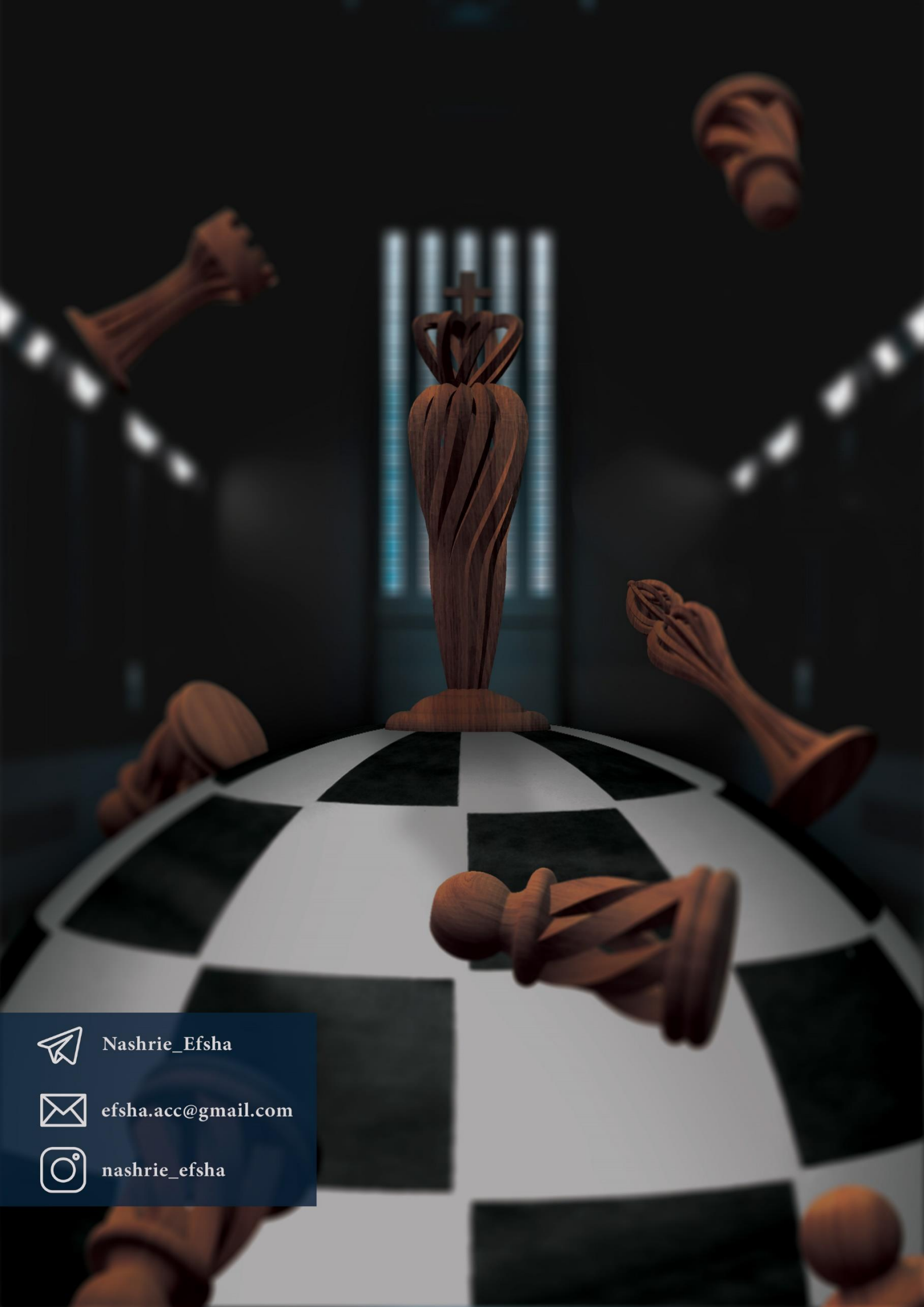
ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر

۰۵۱۳-۶۰۸۱۵۱۰



۰۹۹۰۴۲۰۶۰۲۰





Nashrie_Efsha



efsha.acc@gmail.com



nashrie_efsha